



پیام کارگر

شماره
۲
بها ۴۰ ریال

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول - خرداد ۱۳۶۶

اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت هشتمین سالگرد تاسیس سازمان
د ۳ صفحه

اطلاعیه
زندانیان سیاسی در اعتصاب غذا بسر می برند!
د ۳ صفحه

رژیم فقها، بن بست ها و ترندها

موقعیت کنونی حکومت فقها بعد از سلسله وقایع دوره اخیر، حاکی از تشدید دگرگینهای درونی و بیانگر ضعف جناح مسلط می باشد. این جناح برای غلبه بر بحران و تحکیم موقعیت خود با طرحها و شعارهای تکراری و شگرد های " مستضعف پناهی " به میدان آمده است. اگر موقعیت کنونی را در بستری که دوره معین از فعل و انفعالات بررسی می نمایم، رسوائی رابطه با آمریکا را میتوان بعنوان یک سنگ بنای معین و مشخص در نظر گرفت. در رجول و حوش همین ماجرا، ود تعقیب استراتژی جنگ ضربتی و پیروزی کوتاه مدت که به سلاهای آمریکائی و بنا بر این نزدیکی به آمریکا نیاز بود، تعرض به دارو دسته مهدی هاشمی از ناحیه جناح مسلط رژیم سازماندهی شد. چراکه اینها مخالف این نوع نزدیکی به آمریکا بودند. بقیه د ۲ صفحه

انحلال طلبی در تشکل های توده ای

د مقاله " سخنی درباره سازماندهی پناهندگان " مند رج در "پیام کارگر" شماره یک، همراه با نقد سکتاریسم، بشاره یک گرایش منفی، اشاره ای هم به انحلال طلبی کردیم و گفتیم این گرایش همیشه توبه خود عامل تضعیف کننده است ود عمل به همان نتیجه سکتاریسم می رسد. سیمای ظاهری این گرایش برخلاف نتیجه ای که به بار می آورد وبخاطر هیز ضد سکتاریستی که می گیرد، د موکراتیک و آزاد منشانه می نماید و خود نمائی هایش در ریمان بخشی از نیروها و معضاد ریمان فعالینی که از گروه مداری رنجیده اند بدل می نشیند. اصل حرف آنها چنین است: گروههای سیاسی از تشکل های بقیه د ۱ صفحه

قطعه نامه مشترک

شیخ عزالدین حسینی
چریکهای فدائی خلق ایران
چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها تبیخ خلقهای ایران)
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
د فتورسیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
کومه له یکسانی کردستان - ایران
د ۲ صفحه

حزب جمهوری اسلامی متحل شد

د ۲ صفحه

زندگی و مبارزات پناهندگان

اعتصاب غذا برای حمایت از زندانیان سیاسی
در ایران

سیاست درمانی سازمان ملل در کراچی باعث مرگ یک پناهنده ایرانی گردید!

یک پناهنده سیاسی ایرانی در اعتراض به سیاست های نژاد پرستانه درد انمارک خود سوزی کرد

حمله مزدوران جمهوری اسلامی به

پناهندگان ایرانی در کراچی

اعتصاب غذا در آلمان غربی: بایرن نورنبرگ، مگندورف، و تراو

کدام معیارها کهنه شده اند؟

سازمان اکثریت د نشریه شماره ۳۸ کار در مقاله ای با عنوان " اتحاد، مبارزه " ظاهرا به قصد بررسی کارنامه یکساله جنبش د رزمینه اتحاد و مبارزه جابجا پای ضرورت اتحاد با حزب توده را بعیان کشیده و مقاومت جریانات سیاسی متفاوت را که برانزوای سیاسی این سازمان و حزب توده پافشاری می کنند بانام وبی نام مورد انتقاد قرار داد. آنها را به پیروی از " عوامل و ملاک های کهنه و کهنه شده " متهم می کند و مشی مشروط کردن اتحاد با این حزب را مشی " غیرسیاسی " می نامد. علاوه بر این، مقاله بی آنکه ذره ای به شکست ها، انشعابات و بحران حادی که این طیف را در خود گرفته اشاره کند با خود ستائی ویژه ای درباره موفقیت های خود و حزب توده سخن می گوید. بقیه د ۱۳ صفحه



بعضی ها نام ستارگان را از حفظ دارند

من نام حسرت هارا

بمناسبت سالگرد مرگ ناظم حکمت د ۱۱ صفحه

بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
د ۲ صفحه

گزارشاتی از برگزاری مراسم اول ماه مه
د ۱۲ صفحه

سازمان عفوبین الملل رژیم جمهوری اسلامی را
محکوم می کند! د ۵ صفحه

کمبود کاغذ، سانسور و اختناق فرهنگی
د ۶ صفحه

کانادا - پناهندگان و هواداران نیروهای سیاسی ایرانی
رجائی خراسانی را وادار به فرار کردند د ۱۶ صفحه

ادامه از صفحه ۱

این تعرض که نوعی تعرض به حریم اقتدار منتظری نیز بود ، اختلالات معینی در ارتباط میان فقها و پایه‌های توده‌های سازمان یافته آن یعنی "امت حزب الله" را بدنبال داشت. روشن شدن دست حضرات در رسوایی رابطه با آمریکا ، که هرروز ابعاد آن گسترش می‌یابد ، ضریب سختی به اعتماد و وفاداری آن دسته باقی مانده از مردم که هنوز آمیدی به فقها دارند وارد آورد و مهمترین آن ، انعکاس شدیدی در میان دسته‌جات سازمان یافته حکومتی که در نهادهای مختلف اجتماعی عمل می‌کنند داشت. از آن جمله است اعتراضات انجمنهای اسلامی دانشجویان در این باره و خصوصاً کله آشکار و سرگشاده آنها از رفسنجانی ؛ از طرف دیگر ناکامی همه برنامه‌های دوره اخیر (از جمله رابطه با آمریکا) که هدف آنها شکستن بن بست جنگ پیشروی "مرحله‌ای" در آن بود ، باعث پیشرویهای ازسوی مؤتلف اصلی رژیم یعنی جناح — روزه‌واری معنای تجاری گردید .

رژیم فقها ، بن بست ها و نرفندها

دخالت مشرد راین جنگ به خلیج وارد شده اند و تمام سوز و ناله فقها از تصمیم کوییت مبنی بر استفاده از برچمهای د و کشور مذکور بر روی کشتیهایش ، از این زاویه صورت می‌گیرد . علیرغم چند ضربه‌ای که در این مدت کشتیهای شوروی و آمریکا خورد ه اند ، هیچکدام تردیدی در ادامه دخالت مشرد رخلیج نشان نمی‌دهند . حد اقل دخالتی که در این زمینه صورت می‌گیرد حفظ امنیت کشتی رانی ، یعنی حمایت از کشتیهای مورد حمله رژیم فقها است . البته دامنه این دخالت می‌تواند بسیار گسترده تر شود . همه اینها نه تنها به معنی بن بست تازه‌ای در سیاست جنگی فقهاست بلکه بمعنی فشار مستقیم و غیر مستقیم بر آنان جهت خاتمه دادن به جنگ خواهد بود . با مشکلات اقتصادی و بحران ارزی و فلاکت د م افزون نیز که نیروی اعتراضی و تنفرتوده‌های رافشده می‌کند چونان همیشه بعنوان یک خطر بالقوه عمل می‌نماید .

کاهش درآمد ارزی دولت و ناکامی د ولت مرد آن مرتجع طرفد ا ر اقتصاد د ولتی ، د ست و بال بورژوازی طرفد ا ر بخش خصوصی و اقتصاد آزاد ر ابا ز ترکرد و آنها بدین سرورود اما با سرعت لازم پیشرویهای خود راد رتما می‌عرصه‌ها سازمان دادند . حائری زاده نماینده دبیرجند د رنطق یکشنبه ۲۰ ارد بیبهشت خود د رمجلس می‌گوید : " شبکه پیوسته سازمان‌های اقتصادی و صندوق‌های بزرگ وابسته به آنها و اطاق باز رنگانی و حامیان جاد ه صافکن آنها د ر کمیسیون باز رنگانی مجلس ، اقتصاد د د ا ر اقی مجلس و دیگران همه نشانه آنست که حاکمیت سرمایه‌گاملا وجود د ارد . آقایان مقررات صادر ات و وارد ات رانیگز باب دند ان و سلیقه پولد ا رهای باز رانتظیم می‌کنند و بخورد مجلس هم شاید بد هند . . . "

د راین وضعیت رژیم یکبار د یگوروق کهنه‌و یارهای ری شده " مستضعف پناهی" و حمله به " مستکبرین و مال اندوزان " را رورکرد ه است . با این نیت که ضد حمله ای راد ربرابورژوازی شریک (بازاریان محترم) بر اه اند از د ، اعتماد و وفاداری ضریب خورد ه " حزب الله " را احیا ، نماید و به مقابله جنبش توده‌های برود . موسوی نخست وزیر فقها د رسومین سمینار اسلام و مستضعفان د ر شهر قم باد فاع شد بد ا ر اقتصاد د ولتی به بخش خصوصی حمله برود . ا رگفت : " ترس از د ولتی شدن اقتصاد باعث جلوگیری از کارد ولت د ر صیانت از انقلاب اسلامی است " و همچنین د ربیان نفوذ و قدرت سرمایه‌د اران د ر همین سمینار گفت : " ما تصمیم گرفتیم که جلود انشگاه چند مغازه انتشاراتی بزنیم . . . د ر جلسه‌ای که د ر حضور ریاست جمهوری بود بم مشاهده کردیم که صد اهائی بلند شده ه که . . . آیا این گروه اندک که صد ایشان د ر جلسات مهم هم شنیده میشود احتیاج به حمایت د ارند . . . " (کیهان چهارشنبه ۲۶ فروردین) . با این بیان البته او کدهکش خود با خامنه‌ای رهم مطرح میکند . همراه این سخنان تند موسوی ، منتظری نیز د ر همان روز طی سخنرانی برای شرکت کنندگان د ر همین سمینار به تفصیل د رجعت " مستضعف پناهی " و علیه مستکبرین به منبر رفت . در

تصویری از این ناتوانی را میتوان از خلال جواب‌های رفسنجانی د ر مصاحبه ۳۱ فروردین ۶۶ با خبرنگاران داخلی و خارجی خصوصاً د ر پاسخ به سئوالات مربوط به رابطه با آمریکا و موقعیت کنونی شخصی او ، د ر یافت . او که به اتفاق خمینی بعد از افشاء ماجرای مک‌فارلن همه جاز بزرگترین دستاورد و پیروزی د ر مقابله با آمریکا د م می‌زد ، د ر جواب به پرسش خبرنگار واشنگتن پست مبنی بر اینکه آیا ایران توانسته است د ر نتیجه تماسها تسلیحات لازم رابد ست آورد و آیا (و رفسنجانی) خوشحال است که باعث شرمندگی و بازی خوردن ریگان شده است ؟ می‌گوید : " . . . د ر مورد اینکه ما خوشحال باشیم از این مقد ارد بر خوردی که با آمریکا تپها شده ، چیزی بد ست نیامد که خوشحال باشیم فقط یک آزمایشی بود . " او بعد از لیست کردن تعداد مختصر (!) سلاحهای بد ست آمده ، می‌افزاید " شما بیشتر سوسود بردید چون ما کتک کردیم چند نفر از گروگانها آزاد شدند . " و د رمورد برخورد به افلاس ریگان می‌گوید : " . . . ما از این قضیه واقعا خوشحال نیستیم و چنین قصدی ند اشتیم و این را بیشتر رسانه‌های خود شما و رقبای آقای ریگان و حزب رقیب ایشان بوجود آورد . . . " د ر این جوابها علاوه بر نکاتی که افشاگرها و هوا و جنجالهای سرد مد اران رژیم که بدنبال ماجرای مک‌فارلن برپا شد می‌باشد ، رفسنجانی به روشنی شکست برنامه خود را اعلام می‌کند . او راست می‌گوید د ر این ماجرا نه تنها خوابهای خوش دست یابی به بنیه تسلیحاتی لازم برای شکستن ماشین جنگی عراق تحقق نیافت ، بلکه شکست بزرگی نیز نصیب آنان گشت و این آنچنان انعکاسی د ارد که خبرنگار روزنامه سان گری ژاپن د ر همان جلسه مصاحبه می‌پرسد که : " گفته میشود معالمتی که ایران با ایالات متحد ه برای اسلحه داشته است و تماسهایی که با آمریکا تپها برقرار شده است به اعتبار سیاسی جناب عالی د ر میان مقامات مذهبی و عموم ملت لطمه زد ه است . . . " (کیهان اول ارد بیبهشت ۶۶) و او ز جواب به سئوال طفره رفت .

اگرچه این ضد حمله جناح مسلط حکومتی و طرفد اران اقتصاد د ولتی هر روز بهی گرفته می‌شود و مد ام از کرسیها و تریبونهای رسمی بگوش می‌رسند اما تفاوت محسوس با مانورهای گذشته حکومتیان د ارد . این بار بدنبال سخنان تند نخست وزیر د ر سمینار قم و سایر حملات علیه سرمایه‌د اران و مستکبران ، هیچ بیانیه و اعلامیه پشتیبانی از جانب نهاد‌های حزب الله وانجمن‌های اسلامی و غیره به باز ارضه نشده و هیچ حرکت و بسیج با استفاده از نیروی حزب الله صورت نگرفته است که این میتواند هم بدلیل حرکت کنترل شده د ولت ، وهم مهمترین آن بدلیل ناتوانی د ر جذب و بسیج " امت حزب الله " بهمسان د لائل ذکر شده د ر قبل باشد .

بهر صورت باضعف و ناتوانی جناح مسلط و تد اوم پیشروی مؤتلف آن ، تعارض و د رگیری شد بد تر و شکاف بین آنها عمیقتر خواهد شد . اگرچه چون گذشته جهت اصلی افشاگریهای ماعلیه سیاست جنگ طلبانه رژیم قرار د ارد ، تأکید بر فلاکت توده‌ها و مطرح خواسته‌های ضد سرمایه‌د اری کارگران و زحمتکشان ، شکافهای حکومتی و راههای پیشروی حرکت انقلابی ر ابا ز ترخواهد کرد .

اما ابعاد مشکلات گوناگون و روز افزون است و حلقه تنگتری می‌شود . اگر بخشی از برنامه رژیم متوجه آن بود که قدرتهای بین المللی و منطقه از عراق فاصله بگیرند و صد ام راد ربرابرضریات جنگ تنها بگذارند ، روند کاملا معکوس آن به فعلیت د ر آمد ه است . هم اتحاد شوروی و هم آمریکا هر د و بصورتی فعال برای



اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت هشتمین سالگرد تاسیس سازمان

از چهارم تیرماه ۵۸، روز تأسیس سازمان ما، اکنون هشت سال تمام می‌گذرد. فعالیت سازمان ما در هشت سال گذشته، اینک باید در استان و دشمنان ما را متقاعد کرده باشد که "راه کارگر" نه یک تشکیلات موسمی یا حبابی برآمده در جریان یک بحران سیاسی، بلکه سازمانی است با هدف روشن و ستون فقراتی محکم که در تمام شرایط نیز با فشاری بر اصول روی برنمی‌گردد. کارنامه مبارزه هشت ساله ما رساترین بیان‌کننده اصول اعتقادی ما است. سازمان ما در این مدت صادقانه کوشیده است جد از راه‌های کارگران راه دیگری در پیش نگیرد. ما با اعتقاد عمیق به نیا زحیاتی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران به دموکراسی و آزادی‌های سیاسی، در تمام هشت سال گذشته، هرگز مبارزه برای آزادی‌های سیاسی را مسکوت نگذاشته‌ایم. "راه کارگر" اگر نه اولین، بی‌شک جزا ولی جنبانهای سیاسی بود که در مقابل حاکمیت ارتجاعی ولایت فقیه موضع صریح، دقیق و قاطع اتخاذ کرد. در واقع اعلام موجودیت "راه کارگر" در عین حال اعلام جنگ آن به رژیم جمهوری اسلامی بود. در شرایطی که بخش اعظم نیروهای چپ در مقابل روحانیت پیرو خمینی که در جریان انقلاب به قدرت ولتی دست یافته بود، موضع روشنی نداشت، "راه کارگر" نشان داد که روحانیت با دست یابی بر قدرت ولتی، انقلاب ایران را از رون آن به خفگی کشاند و است و ضرورت انقلابی دگرعلیه روحانیت را اعلام کرد. در فضای نامساعدی که هنوز توهم توده‌های عمیقی نسبت به روحانیت وجود داشت، علیه همه جریانهای اپورتونیستی که به طرفداری از روحانیت حاکم پرداخته بودند و در رأس آنها علییه خط خائنانه حزب توده، به مبارزه برخاست. تردیدی نیست که در آن آشفته با زار عوام فریبی "ضد امپریالیستی"، این مبارزه ما تا حد و زیاد همچون شند در خلاف جریان آب بود. اما اکنون که نتایج فاجعه بار سیاستهای خائنانه حزب توده و جناح "اکثریت" فدائیان خلق و سایر جریانهای که مدتی از این یا آن جناح حاکمیت طرفداری می‌کردند، برهنگان آشکار شده است، حقانیت مواضع ما در این مبارزه روشن تر از آفتاب نیمروز است.

همچنین سازمان ما با اعتقاد عمیق به ضرورت حیاتی پیوند جنبش کمونیستی ایران با جنبش طبقه کارگر و ایجاد یک جنبش انقلابی نیرومند بر محور طبقه کارگر، مدتهاست تمام تلاش خود را برای سازماندهی توده‌های مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان بکار گرفته است. مبارزه عملی و نظری ما در راستای این هدف در چند سال گذشته، بیانگر میزان جدیت و صداقت تلاشهای ما است. ما در این حوزه، بدون حسابگریهای حقیررایج در میان فرقه‌های سیاسی، نه تنها برای دربرداشتن رسوبات تفکر پوپولیستی به یک انتقاد از خود علنی و صریح دست زدیم، بلکه تحت خشن‌ترین دوره سرکوب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، برای استقرار در میان طبقه کارگر، به تجدید آرایش نیروها ایمان برداختیم. تلاش خستگی ناپذیر ما در پنج سال گذشته در زمینه سمت گیری بطرف جنبش کارگری، هم اکنون حقانیت خود را نشان می‌دهد. گرچه در این راه هنوز موانع جدی و متعدد وجود دارد و از جمله، کوتاه بینی‌ها و خرافات فرقه‌ای پاره‌ای جریانهای چپ، سازماندهی توده‌های طبقه کارگر و زحمتکشان را مشکل می‌سازد، اما، هر روز که می‌گذرد بی‌اعتنائی به جنبش طبقه کارگر - البته قبل از هر چیز، از برکت تداوم خود این جنبش - بیش از پیش ناممکن می‌گردد.

در چند سال گذشته، سازمان ما در مقابل پوپولیسم، فرمیسم طیف توده‌های، و نیز در مقابل گرایشات سوسیال دموکراتیک در میان روشنفکران و پاره‌ای سازمانهای سیاسی که در پوشش مبارزه با پوپولیسم، انواع آموزشهای بورژوازی را اشاعه می‌دهند، به دفاع قاطع از لنینیسم برخاسته است. در راستای پیروی از اصول لنینی مبارزه پرولتاریائی، به نقد دائمی اشتباهات، انحرافات و ضعفهای خود پرداخته و بارها با صریح ترین شیوه انتقاد از خود - که مایه سوسو - استفاده پاره‌ای فرقه‌های چپ نیز قرا گرفته‌اند - نشان داد ما است که منافع انقلابی طبقه کارگر را بر هر چیز دیگر مقدم می‌شمارد.

در شرایط کنونی که بن بست جنگ هستی سوز ایران و عراق، گسترش بی سابقه نفرت توده‌های از حاکمیت رژیم ولایت فقیه، از هم گسیختگی کامل اقتصاد، ویرانی صد ها شهروندان روستا و خانه خرابی میلیونی زحمتکشان و بیگاری سراسری میلیونی کارگران، و بالاخره تشدید تناقضات درونی رژیم، کشور را در آستانه دوره‌های سرنوشت ساز قرار داده، دوره‌ای که از هر جرعه کوچک ممکن است آتش سراسری انقلاب مشتعل گردد، سازمان ما تلاش خود را بر فراهم سازی زمینه اتحاد عملی و ائتلاف نهایی انقلابی برای سازماندهی هر چه گسترده تر مبارزات کارگران و زحمتکشان متمرکز کرده است. در این زمینه ما پیشنه‌های مشخصی ارائه دادیم و موضع ما را در باره مبنای این اتحاد عملی و ائتلاف نهاد رقتعنا مهای پلنوم کمیته مرکزی در ۵ ماه اعلام کردیم. در این زمینه ما بر این اعتقاد هستیم که جنبش چپ در معنای وسیع و همه جانبه خود، تنها به سازمانها و گروههای سیاسی معینی محدود نمی‌گردد، بلکه مایه آزادی اجتماعی آن در میان کارگران و زحمتکشان را نیز در بر می‌گیرد. توده‌های میلیونی کارگران و زحمتکشان که با اعتصابات و تظاهرات، با دفاع از مسکن و حق کار خود در برابر رژیم ولایت فقیه دست به مبارزه می‌زنند و خواستار بهبود زندگی و آینده‌های روشن برای خود و فرزندانشان هستند. اینها هستند که پایگاه اجتماعی چپ ایران را تشکیل می‌دهند، پایگاهی که بطور خود بخودی و علی‌رغم سطح نازل آگاهی و تشکل خویش در راه اهدا افی که چپ به تبلیغ سازماندهی آن کمر بسته است، می‌زنند. آنها به سالهای انقلاب، به دست آوردن های انقلاب می‌اندیشند و آتش آنرا در قلب خویش و در مبارزات روزمره خویش شعله و رنگاه می‌دارند. آنها خواستار حفظ سپاه و ارتش و سایر دستگاههای سرکوب نیستند، آنها روزهای مسلح شدن خلق در انقلاب بهمین راه می‌آیند، آنها به روزهای جنبش شورائی، به اعتصاب شکر مند کارگران، به برقراری کنترل کارگری، به مصادره اراضی، به کمیته‌ها و شوراهای دهقانان در ترکمن صحرا، کردستان و... می‌اندیشند. آنها که خود این حماسه‌ها را آفریدند و خود این تشکلهای سازمان دادند، در راهش جنگیدند و با زهم خواهند جنگید. برای سازماندهی این نیروی عظیم که هر روز بیش از پیش به ضرورت تشدید مبارزه علیه روحانیت حاکم متقاعد می‌شوند و از افسر به تاقلعه حسن خان، از ذوب آهن تا کاناداد رای تهران، از کردستان تا دشتهای تشنه بلوچستان، اینجا و آنجا جرعه‌های مبارزه را بر می‌افروزند، باید با سرعت هر چه تمامتر اقدام کرد. ما برای پیشبرد این مبارزات، سیاست تشکیل "جبهه دموکراتیک - ضد امپریالیستی" و نیز "جبهه واحد کارگری" را پیشنهاد می‌کنیم. "جبهه دموکراتیک - ضد امپریالیستی" جبهه‌ای است برای سرنگونی رژیم حاکم، برای مبارزه در راه خواسته‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌های زحمتکشان ایران. این جبهه همه آنها را که می‌خواهند برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تعمیق مبارزات مردم ایران، برای دموکراسی و تحقق اهداف روزمره کارگران و زحمتکشان ایران، برای برقراری نهاد های مردمی به جای ارگانهای سرکوب ولتی برقرار فرمایند، و برای بر آوردن خواسته‌های حد اقل و فوری آنان مبارزه می‌کنند، مخاطب قرار می‌دهد. ما با ارائه این طرح و اعلام آمادگی برای شرکت در چنین جبهه‌ای از کمونیست بودن خود دست نمی‌کشیم بلکه بضا به کمونیست و با دفاع از حق خود برای سازماندهی مستقل برای دموکراسی و سوسیالیسم در چنین جبهه‌ای شرکت می‌کنیم. ما اعتقاد داریم که در شرایط امروز ایران هیچ طبقه‌ای به انداز طبقه کارگر، از گسترش مبارزه دموکراتیک و امکانات دموکراتیک سود نخواهد برد. طبقه‌ای که در اوج اختناق خونین رژیم ولایت فقیه بارها توانسته است این رژیم اهریمنی را به عقب نشینی واداره، در شرایط دموکراتیک بهتر از زهم خواهد جنگید و در مکتب مبارزه برای دموکراسی، در پس سوسیالیسم فرا خواهد گرفت و خود را برای مبارزه اصلی، یعنی انقلاب پرولتری تجهیز خواهد کرد. این جبهه امکانات واقعی برای تحقق ائتلاف طبقه کارگر و سایر اقشار و طبقات زحمتکش را فراهم خواهد کرد. ائتلافی که

مسئله پیش شرط سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی است. بنا بر این ماصورت ایجاد چنین جبهه‌های راطرح می‌کنیم حتی اگر امروز چشم‌اندازی برای تشکیل سرجمع آن وجود نداشته باشد ، به مبارزه و تبلیغ دائمی درباره آن دست می‌زنیم تا بتوان مشکلات را از سر راه آن برداشت .

اما "جبهه واحد کارگری" در طرح ائتلافی ما راهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جبهه بمنظور ایجاد اتحاد عمل گسترده میان کارگران پیشرو وهمچنین فعالین گروه‌های سیاسی مختلف که در زمانه‌های مبارزات طبقه کارگر شرکت می‌کنند ، پیشنهاد شده است. هدف آن قبل از هر چیز پیشبرد امور سازماندهی مبارزه اتحادیه‌های طبقه کارگر در شرایطی است که این طبقه فاقد سازمان توده‌های خویش است و گذشته از آن بدلیل سیاستهای ناد رست تاکنونی فعالیت‌سن و مبارزین کارگری ، از یواکنندگی گسترده‌های رنج می‌برد . این در شرایطی است که توده کارگران برای پیشبرد سازماندهی حرکات خود به تلاش عظیمی دست می‌زنند و در روند این تلاشها قشری از کارگران پیشرو شکل گرفته است که حامل تجربیات ارزنده‌های مبارزه صنفی در شرایط کنونی است. این جبهه امکان بسط و استفاده از این تجربیات را در سطحی بمراتب گسترده‌تر از تمامای فردی یا محفلی کنونی فراهم می‌سازد و جد اقل لازمی از تشکل وهماهنگی برای تضمین ادامه کاری و پیشروی مبارزات کارگری را بدست می‌دهد . اکنون غالب نیروها وسازمانهای سیاسی چپ وغیرچپ به اهمیت نقش طبقه کارگر در انقلاب پی برد هانند . آنها نقش تعیین کننده طبقه کارگر واعتصاب شوکومند سراسری آن در انقلاب بهمن رابه چشم دیده‌اند . بنا بر این امروز همه دم از طبقه کارگری زنند . اما در شرایطی که دیگران طبقه کارگر را برای انقلاب می‌خواهند ، کمونیستها وظیفه انقلاب توسط کارگران و برای کارگران را پیش روی خود می‌گذارند . این امر مستلزم سازماندهی طبقه کارگر در سطوح مختلف مبارزه طبقاتی آن است. در شرایط امروزه مبارزات این طبقه هنوز به سطح مبارزات پراکنده صنفی محدود میشود ، گرد آوردن حد اکثر نیرو برای سازماندهی خود کارگران در رستروهمین مبارزات جاری اهمیت فوق العاده پیدا کرده است. زیاده رفاضی سیاسی متلاطم ایران هر حادثه کوچک می‌تواند به سرعت به ارتقا این مبارزات و سیاسی شدن سریع آنها بیانجامد . در این صورت "جبهه واحد کارگری" ظرف مناسبی برای طبقه کارگر و انقلابیون کمونیست فراهم می‌آورد که اتحاد عمل وحرکت هرچه متشکل تر وهماهنگ تر خود را برای خیزهای انقلابی اصلی سازمان دهند . این تأکیدی است که از زمان کمینترن تاکنون د اثما توسط رهبران جنبش کارگری و کمونیستی صورت گرفته است .

سازمان ضمن توجه به اهمیت اتحاد عملها و ائتلافهای انقلابی برای سازماندهی توده‌های کارگران و زحمتکشان ، عمیقاً بر این اعتقاد است که طبقه کارگر ایران بیش از هر زمان دیگر از فقدان حزب انقلابی خود رنج می‌برد ، حزبی که بتواند پیشروترین و رزنده ترین بخش کمونیستها و پیشروان کارگری را در صفوف خود گرد آورد ، حزبی که بدون آن صحبت از تدارک برای یک انقلاب پیرومند پرولتری و دفاع از آن ممکن نخواهد بود . سازمان ما با آگاهی از این ضرورت ، بنسب سهم خود تلاش مداومی برای پیشبرد مبارزه آید ثولوزیک در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر ایران انجام داده و اکنون با ارائه یک پیش نویس مشخص برنامه ، در راستای تدقیق مرزبندیها و هد فهای خود ، گام عملی مهمی در مبارزه برای تشکیل حزب طبقه کارگر ایران برداشته است. ما اعتقاد داریم که ضرورت وحدت و غلبه بر پراکندگی حاکم در جنبش کمونیستی ایران نباید بر ضرورت دفاع اصولی از موازین مارکسیسم - لنینیسم و لزوم وحدت بر اساس این مبانی سایه بی افکند. ما همانند لنین معتقدیم "قبل از آنکه متحد شویم ، باید اختلافاتمان را ، نقاط اشتراک و افتراق را با صراحت مشخص کنیم". پیش نویس برنامه ما با چنین روحی نوشته شده است. ما از همه کمونیستها و برای آنکه متحد شویم ، باید اختلافاتمان را ، نقاط اشتراک و افتراق را با صراحت مشخص کنیم". پیش نویس به روشن تر شدن مسائل یاری رسانند . تردیدی نیست که همه اعضا و هواداران سازمان با دقت موشکافانه مفاد این پیش نویس را مورد بررسی قرار خواهند داد و با نظرات اصلاحی و انتقادی خود ، به تکمیل یا تغییر آن یاری خواهند رسانند .

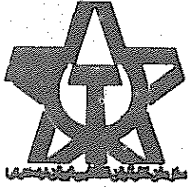
در زمینه گسترش فعالیت انقلابی ، سازمان ما با برپایی رادیو "صدای کارگر" گام مهم دیگری برداشته . در شرایطی که کشور ما در یک التهاب سیاسی واقعی به سر می‌برد ، محدودیتهای فنی ، دشواری توزیع نشریات در شرایط مخفی ، و اختلال ناشی از سرکوب وحشیانه رژیم در ارتباطات سازمانی ، محدودیتهای زیادی در تبلیغات وسازماندهی ما بوجود می‌آورد هاست. برای جبران این نقیصه ، و برای جبران کاستیهای موجود در سازماندهی تبلیغ و ترویج انقلابی رزنده و به موقع ، و در ارتباط فعال تر با اعضا و هواداران سازمان ، برپایی رادیو "صدای کارگر" یک ضرورت اساسی بود . "صدای کارگر" که از نیمه دوم سال ۶۵ به پخش برنامه‌های آزمایشی پرداخته بود ، از روز اول ماه مه ، روز جهانی کارگران ، برنامه‌های خود را رسماً آغاز کرده است. امید داریم رادیو "صدای کارگر" در تحکیم پیوند ما با همه انقلابیون کمونیست ، کارگران پیشرو ، وزحمتکشان و آزاد یخواهان ایران ، نقش مؤثری ایفا کند . و از همه اعضا وهواداران سازمان در ایران دعوت می‌کنیم تا پیامها و برنامه‌های آنرا با دقت ویژه دنبال کنند و از این طریق ارتباطات خود را با سازمان تقویت و تنظیم نمایند .

در آغاز زنده‌ترین سال فعالیت انقلابی سازمان ، به همه "راهکارگراها" ، به همه اعضا ، هواداران و حامیان سازمان ، که با تلاشهای فد اکارانه و با جانفشانی‌های خود ادامه فعالیت و حیات این سازمان را ممکن گردانیده‌اند ، سپاسگزارانه درود می‌فرستیم . حیات این سازمان بدون تکیه بر جان بازی قهرمانانه اعضا و هواداران آن بی‌تردید ناممکن بود . در طول هشت سال گذشته ، فعالیت سازمان ما به بی‌شمار شهادت صد هاتن و اسارت چندین هزار تن از فعالین آن تداوم یافته است. در آغاز زنده‌ترین سال فعالیت سازمان ، به رفقای شهید سازمان ، به همه شهدای جنبش کمونیستی و انقلابی ، به پهلوانانی که در راجد و ران سیاه توبه و خیانت ، دلاورانه بر آرماتشان پای فشردند ، و همچنین به همه یاران اسیری که با مقاومت در برابر رژیم ارتجاعی و دد منش ولایت فقیه ، پیام انقلاب را در رلا بلای سنگها و میله‌های زند آنها رزنده نگه داشته‌اند و در زخیمان رابه ستوه آورده‌اند ، و به همه خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی که پاهای فرزند ان ، همسران ، برادران وخواهران اسیر و شهیدشان رنجهای طاقت فرسای مقاومت راتحمل کرده‌اند و می‌کنند و پشتوانه جاویدانی از انرژی انقلابی فراهم می‌سازند ، درود می‌فرستیم وسوگند یاد می‌کنیم تا پای جان در ادامه راهشان بکوشیم ، تا پرچم سرخ پرولتاریای جهانی همواره ود رهبر شرایطی برب افزاشته بماند . برد رفش خونین پرولتاریای جهانی ، قطرات خون دهها هزار تن از کمونیستها و کارگران ایرانی در رکنار دیگر برادران هم‌رزم وهم طبقه‌شان نقش بسته است. می‌کوشیم تا همواره سرفرا زیمانیم تا انقلاب سوسیالیستی این درفش را بر فراز ایران جاودان سازد . آبیستن فتح ماست این پیکار .

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم
سرنوین باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
اول تیرماه ۱۳۶۶

با پیام کارگر همکاری کنید و برای آن بنویسید!

<p>کمیته‌ی تبلیغ و ستاورد های آن ، د فاع از جنبش صلح ، پشتیبانی از جنبش جوانان و ... به گزارشات ، مقالات ، اسناد ، نقدها ، آثار هنری (شعر ، عکس ، طرح و ...) نیاز دارد . صفحات پیام کارگر در هر یک از این زمینه‌ها بر روی نوشته‌ها و آثارتان با زاست .</p>	<p>اساسی خود یعنی افشای ماهیت و عملکرد های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، طرح مطالبات ومشکلات ایرانیان مهاجر و ککبه سازماندهی جنبش آنها ، پشتیبانی از اتحاد عملهای انقلابی ود مکرانیک نیروهای ترقیخواه ، تبلیغ ومعرفی هنر پیشرو ، دفاع از جنبش جهانی کارگری و</p>	<p>رفقا و دوستان مبارز! "پیام کارگر" برای پیشبرد بهتر وظایف خود به همکاری و کمک شما نیازمند است. واضح است که محتوای نشریه ما و طبعاشکل عرضه آن نیز بدون یک رابطه رزنده و متقابل میان ما و شما نتیجه مطلوب ببار نخواهد آورد ، "پیام کارگر" در چهارچوب وظایف</p>
--	---	--



اطلاعیه

زندانیان سیاسی در اعتصاب غذا بسر می‌پرند!

کارگران ، زحمتکشان و مردم آزاد ه ایران !
سازمانهای انقلابی و مترقی !
مردم آزاد بخواه جهان !

در هفته‌های اخیر ، بارد یگر ، زندانیان سیاسی زن و مرد در زندانهای اوین و گوهردشت به اعتصاب غذا دست زدند . بدنبال این اقدام قهرمانانه زندانیان سیاسی در سیاه‌چالهای رژیم اسلامی ، مزدوران رژیم ملاقات زندانیان را با خانواده‌هایشان قطع کردند تا خیر این اعتصاب به مردم نرسد و جنایتکاران رژیم اسلامی بتوانند در سکوت و تاریکی و در پشت دیوارهای زندانها به سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی دست بزنند .
ادامه این اعتصاب قهرمانانه زندانیان سیاسی باعث شد که مزدوران رژیم ولایت فقیه برای پایان دادن به اعتصاب غذا ، به ضرب و شتم زندانیان سیاسی بپردازند و با ایجاد درگیری و اعمال شکنجه‌های وحشیانه و غیرانسانی در زندانها ، شکستن اعتصاب غذا بآیند . اما علیرغم تمامی این جنایات و شقاوت‌های ضد بشری مزدوران رژیم ، اعتصاب غذا همچنان ادامه یافته است .

رژیم جمهوری اسلامی که نه تنها شیوه‌های رژیم شاه را در اعمال شکنجه نظیر شلاق زدن ، سوزاندن ، شوک الکتریکی ، بی‌خوابی دادن و غیره را احیا کرده و وسیعاً آنان را به کار می‌گیرد ، بلکه روشهای وحشیانه‌تری را نیز از مزدوران بربریت به‌کار گرفته و بر آن افزود ، از آن جمله اند : قطع اعضای بدن ، نگهداری کودکان در زندانهای کثیف و تاریک و ممنوعیت دیدار و شکرشاهان در برابر چشمان والدین آنها ، منع مادران از شیر دادن به نوزادان خود ، چشم بسته نگهداشتن زندانیان بمدت چند ماه ، برپائی مراسم ساختگی تیرباران برای زندانیان چشم بسته و محوطه زندان و حتی در داخل سلولها ، کشیدن خون زندانیان برای پاسداری زخمی در جعبه‌ها و تجاوزه در خنجران پیش از اجرای حکم اعدام و . . . اما تمامی این اعمال جنایتکارانه ضد بشری نتوانسته است در عزم خلل ناپذیر زندانیان سیاسی در پیگیری مبارزه و مقاومت علیه رژیم اسلامی و بایداری به آرمانشان تزلزلی ایجاد نماید .

رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از در هم شکستن اراده استوار انقلابیون اسپر ، اینکه در سراسر شب سقوط افتاد است ، به همراه اعمال وحشیانه فوق ، شرایط مرگ تدریجی زندانیان سیاسی را نیز فراهم ساخته است . آزار و شکنجه مداوم زندانیان سیاسی ، گرسنگی مزمن و وضع بسیار بد غذایی ، وضع بد بهداشتی و در نتیجه شیوع بیماریهای عفونی ، ریوی ، پوستی ، استخوانی و . . . باعث شده است که زندانیان سیاسی زن و مرد در زندانهای اوین و گوهردشت بارد یگر اقدام به اعتصاب غذا نمایند ، تا بتوانند از این طریق اعتراض خود را به این روشهای غیرانسانی به گوش مردم آزادی خواه ایران و جهان برسانند .
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، بارد یگر از همه سازمانهای مترقی و مردم آزادی خواه و بشردوست ، برای حمایت و پشتیبانی از مبارزه و خواست برحق زندانیان سیاسی ، مبارزه برای قطع شکنجه و اعدام ، برای آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و افسا هر چه گسترده‌تر و مؤثرتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی در زندانهای ایران یاری می‌طلبد .

علیه شکنجه‌و اعدام و برای رهائی زندانیان سیاسی متحد ایما خیزیم !

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۲ / خرداد / ۱۳۶۶

سازمان عفوبین الملل رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند!

علیه زندانیان سیاسی و نقض همه‌جانبه حقوق انسانی .

دراستاد منتشره از طرف عفوبین الملل از مجازات مرگ و اعدام برای زندانیان عقیدتی ، اعمال انواع شکنجه‌های روانی و جسمی ، برخورد ار نبودن زندانیان سیاسی از حق وکیل و دفاع ، محاکمات ناعادلانه ، دستگیری‌های بی‌رویه اعدام و مجازات کودکان و پیران (که در تمام دنیا از مجازات‌های سنگین معافند) شدیدا ابراز نگرانی گردیده و توصیه شده است قوانین و مجازات مغایر با شأن انسان ملفی و قوانینی منطبق با ميثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی جایگزین آنها گردد .

در بخش پایانی اسناد مباحثه چهار نفر از زندانیان سیاسی سابق بعنوان شهاده تنامه آورده شده و برای اثبات نقض مکرر حقوق بشر به شهاده تدهسانفرد یگراستناد گردیده ، که هرکدام به نوبه خود افساگر گوشه‌ای از جنایات رژیم است .

نیروهای انقلابی میدان نمود است .

در حالیکه موج اعتصابات غذای ایرانیان در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا به حمایت از زندانیان سیاسی هنوز فروکش نکرده ، اسناد سازمان عفوبین الملل در خصوص اعمال شکنجه و اعدام ، علیه زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در ایران انتشار می‌یابد و خود تأییدی است بر افساگری سازمانهای انقلابی و مومکرات در داخل و خارج کشور!

عفوبین الملل که در زمان حکومت شاه جلا در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نقش مثبتی ایفا کرد ، طی سالهای اخیر نیز کوشش‌های وسیعی را جهت دریافت اجازه از جمهوری اسلامی بسراری باز بد از زندانها به عمل آورد اما رژیم در منش فقها برای جلوگیری از افشای جنایات هایش علیه زندانیان سیاسی نه‌به‌نمایدگان این سازمان و نه به‌نمایدگان منتخب کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد پاسخ مثبت نداده است . همین امر خود دلیل روشنی است بر اعمال شکنجه‌های وحشیانه

مسئله زندانیان سیاسی ایران بعنوان پدیدهای استثنائی در سطح جهان شهرت عام یافته است . محکومیت‌های مکرر جمهوری اسلامی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل و تأیید آن با اکثریت آراء نمایندگان دولت‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای هیچکس تردیدی باقی نمانده است که رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی چه فجایعی مرتکب می‌شود!

شدت فشار بر زندانیان سیاسی در یکسال گذشته به‌حدی افزایش یافته ، که زندانیان با تمام وجود خطر شکنجه‌های وحشیانه و اعدام را به جان خریدند و به‌کرات دست به اعتصاب ملاقات و اعتصاب غذا زدند و اگرچه پاسخ رژیم به اعتصابات چوبه‌های در آورده و استمرار شکنجه ، اما انعکاس مبارزات قهرمانانه زندانیان سیاسی از طریق خانواده‌هایشان در جامعه ، مسئله زندانیان سیاسی و دفاع از آنان را در خواسته‌های دموکراتیک نشانده ، و دفاع از زندانیان سیاسی را به یکی از مبرم‌ترین وظیفه‌های

حزب جمهوری اسلامی منحل شد

بنا به نوشته کیهان سه شنبه ۱۲ خرداد، "حزب جمهوری اسلامی با نظر امام خمینی تعطیل شد!"

موضوع انحلال حزب جمهوری اسلامی را باید بر زمینه‌های ازگسترش بحران عمومی جامعه و تاثیر نزاعهای درونی رژیم که رابه لبه پرتگاه کشانده است مورد بررسی قرار داد. در واقع همانگونه که تشکیل حزب جمهوری اسلامی برای گسترش پایه های اقتدار حاکمیت ولایت فقیه ضرورت داشت، انحلال آن نیز در موقعیت متزلزل کنونی که هردرگیری درونی همچون آتش باری در انبار باروت هستی رژیم را بمخاطره میاندازد لازم بود. یعنی اگر زمانی وظیفه حزب انسجام بخشیدن به قسوی روحانیت و یکپارچه کردن صفوف هواخواهان آن بود، امروز وجود خود حزب به یک عامل پسرانگدگی مبدل شده است. این واقعیتی است که بخوبی در نامه مشترک خامنه‌ای - رفسنجانی به خمینی منعکس است.

اصولاً، حزب جمهوری اسلامی همواره یکی از کانون های حاد توطئه و بناد باری میان جناحهای مختلف رژیم را تشکیل میداده است. اما این تضاد ها در مرحله‌ای از حیات حزب تحت الشعاع مبارزه با اپوزیسیون های خارج از قدرت یا حاشیه آن قرار داشته است. برای مثال در جریان تصفیه و عزل ابوالحسن بنی صدر بنظر میرسد که حزب از انسجام کامل برخوردار است. ولی درست از همین تاریخ به موازات آغاز درگیریهای جدید میان دسته‌های دیگر از متلفین رژیم، در داخل حزب جمهوری اسلامی نیز جنگ و دندنان نشان دادن ها میان جناحها شروع گردید. اصولاً بخاطر نقش و اهمیت سیاسی که حزب از آن برخوردار بود نمی توانست از مسیر تضادها و تعارضاتسی که دائما رو به شدت

داشت برکنار بماند و طمع جناحهای مختلف قدرت را برای تصاحب موقعیت های کلیدی آن و بطور کلی غلبه بر حزب تحریک نکند. نتیجه درگیریهای داخلی در حزب طی شش سال گذشته نهایتاً به برتری جناح بورژوازی با زار منتصبی گردیده بورژوازی با استفاده از این موقعیت برتر و بهره گرفتن از قدرت سازمانگری وسیع حزب نقشه پیشرویهایی خود را به راس قدرت و نظری کردن جناحهای دیگر به مورد اجرا میگذاشت. میزان نفوذ این جناح از بورژوازی در مراجع قدرت سیاسی و اقتصادی، در بازار، در مراجع تقلید، ائمه جماعت، قضات شرع، کمیته ها، پاسداران، شبکه های پیوسته سازمان اقتصاد اسلامی، صندوق جاوید، اتاق بازرگانی کمیسیون های مختلف بازرگانی و اقتصاد و دارایی مجلس به مرحله تهدید کننده ای رسیده است. در همین حال پیشروی های این جناح همزمان است با ضعف های جناح مسلط رژیم در عرصه های مهم اقتصادی سیاسی و ویژه جنگ. این در حالیست که مجلس شورای اسلامی به پایان دوره دوم خود نزدیک میشود و بازگیری برای پیروزی بیشتر در انتخابات شروع شده است و مدتی است جناحها به خالی کردن زیرپای یکدیگر مشغولند. در موقعیت شکننده و دشواری که رژیم ولایت فقیه در آن گرفتار شده است، اینگونه رقابتها اجتناب ناپذیر و بهمان میزان خطرناک اند. هر چه رژیم بیشتر در بحران و تناقضات خود فرو میبرد، بردش در تضاد های درونی اش افزوده میگردد. و از همین رو سکانه اران اصلی رژیم ناچار از توجیل به کودتاهای ریزو در پشت طلیه رقبای خود برای حفظ تعادل قوا به نفع خویش اند. انحلال حزب جمهوری اسلامی را نیز باید درواستای چنین تناقضات لا بنحل مورد بررسی قرار داد.

ارگانهای سرکوبگر در راه تبلیغات جنگ قرار می دهند، بنابراین مسئله تنهاد ر کمبود کاغذ خلاصه نمی شود.

چگونه است که رژیم برای نهاد های ارتجاعی "سپاه"، "کمیته ها"، "انجمن های اسلامی"، "سازمان تبلیغات اسلامی"، "حوزه تبلیغات قم"، و "روابط عمومی وزارتخانه ها و سازمان های دولتی" انواع کاغذ های مشرب و فراهم می آورد تا ترهات ارتجاعی سیاسی - ایدئولوژیک خود را در تیراژ وسیع چاپ و پخش نمایند؟ اما برای جامعه ای بیا سابقه فرهنگ و مد نیت کهن با بیش از ده میلیون تحصیلکرده، صد ها هزار دانشجو و معلم و ده میلیون دانش آموز در شش ماه فقط دوازده کتاب یعنی ماهیانه دوجلد کتاب چاپ می شود؟

شده توسط ارشاد اسلامی ۱۹۳۱ عنوان، و تیراژ آن ۱۳۰۸۴۰۵۰ جلد بود و نیمه دوم سال ۶۵ حد و ۸۰۰ عنوان تأیید گرفته اند که طبق اطلاعات فقط برای ۲ عنوان کاغذ موجود است. (کیهان ۲۴/۱/۶۶)

گزارش نشان می دهد تیراژ عنوان کتاب هائی که مجوز انتشار گرفته اند در مدت دوسال به نصف کاهش یافته و از لحاظ تیراژ کل به کمتر از یک سوم رسیده است.

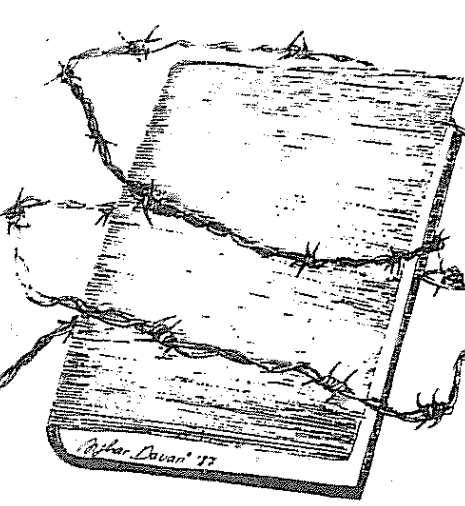
بدیهی است رژیمی که تمامی منابع مادی جامعه را به مصرف جنگ خانمان سوز و ارتجاعی می رساند نمی تواند به نیازهای ضروری مردم منجمله نیازهای فرهنگی آنها علاقتند باشد. دقیقاً به همین علت است که آن مقدار کاغذ موجود را هم در اختیار

د راه فقط دوجلد کتاب چاپ می شود! به راستی که این یک خبرتکان دهنده است! پسر اساس سلسله گزارش های روزکیهان "در نیمه دوم سال ۱۳۶۵، از ۱۸۰ عنوان کتاب که مجوز انتشار در یافت داشته اند تنها ۲ عنوان از چاپ خارج شده و بقیه روی دست ناشران، نویسندگان و مترجمان باقی مانده است.

طی هشت سالی که از انقلاب می گذرد، رژیم جنایتکار فقها روز بروز همواره با گسترش سرکوب سیاسی به تشدید اختناق فرهنگی پرداخته است. بعد از نوسازی و تجدید سازمان دستگاها های سانسور و بخدمت گرفتن سانسورچی های حرفه ای و تعلیم یافته و کنترل همه جانبه و مدخله مستمر در امر انتشار و پخش کتاب و قبضه کردن مؤسسات

کمبود کاغذ، سانسور و اختناق فرهنگی

اگر کدک دبستانی کاغذ برای نوشتن نمی یابد و اگر دانشجو با کمبود کتاب مواجه است و اگر ناشران ناچار می شوند کسب و کار خویش را تعطیل کنند و بدنبال کسب و کار دیگری بروند و اگر نویسندگان و مترجمان و آفرینندگان آثار هنری و فرهنگی از کار باز می مانند این هنوز تمامی فاجعه نیست، ابعداد فاجعه در توراختناقی است که با انقلاب فرهنگی گسترده شد و با تحمیل ایدئولوژی ارتجاعی فقاهتی به تمام شعب اجتماعی حیات فرهنگی جامعه را به رکود و تباهی کشانده است. کمبود کاغذ اکنون مستمسکی است در دست رژیم تا مانع از انتشار کتاب های خوب گردیده و بگرداننده فقر فرهنگی همچنان بی افزایش دهد. روندی که اگر ادامه یابد عواقبی به مراتب وخامت بارتر از جنگ ارتجاعی به بار خواهد آورد!



بزرگ مطبوعاتی و انتشاراتی و دهمشکستن قلمها و پایمال ساختن ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک جامعه و آزادی های اساسی، اینک حربه کاغذ هم بخدمت گرفته می شود تا سیطره اهریمنی خود را همه جانبه تر تکمیل کند. در گزارش کیهان آمده است: "در حال حاضر بازار انتشارات بسیار راکد است برای مثال در سال ۱۳۶۲ حد و ۴۸۱۱ عنوان کتاب از ارشاد اسلامی "مجوز چاپ گرفته اند که تیراژ کل آنها در این سال ۳۵۱۲۷۱۵ بود. در سال ۳۶ تعداد عناوین تأیید شده از سوی وزارت ارشاد اسلامی ۳۷۶ عنوان بوده و تیراژ آن نیز ۲۰۳۳۶۴۲۸ جلد بوده است. سال ۴۶ تعداد عناوین تأیید شده ۴۴۸ عنوان و تیراژ ۴۱۲۲۴۱۵۰ جلد می باشد و در نیمه اول سال ۵۶ عناوین تأیید

قطعه نامه مشترک

خلق رزمند ه کرد !
کارگران و زحمتکشان ایران !
احزاب و سازمانهای انقلابی سراسر جهان !

نظریه اینکه اکنون بیش از د سال است ، بد رگیریهای خونینی بین حزب د مکزات کرد ستان ایران و سا زمان کرد ستان حزب کمونیست ایران - کومه له در جنبش خلق کرد جریان دارد ، ود ر طول این د رگیریهی صدها تن از پیشمرگان قهرمان کرد ، به خون د ر غلطیده اند ، و از هگذ ر این د رگیریهی جنبش خلق کسرد برای حق تعیین سرنوشت خویش و رهائی ازستم ملی و طبقاتی ، و انقلاب خلقهای سراسر ایران د ر پیوند با آن ، متحمل لطماتی جبران ناپذیر شده است . نظریه اینکه ا د ماه این د رگیریهی ، جزیه ضرر جنبش خلق رزمند ه کرد و جنبش سراسری نیوده و مانع از آن می گرد د که همه تفنگها به سوی رژیم ضد - انقلابی و ضد خلقی جمهوری اسلامی نشانه رود .

نظریه اینکه توده های خلق کرد و عموم کارگران و زحمتکشان ایران ، خواهان پایان این جنگ زیانبار هستند .
مانیروهای سیاسی امضاء کنند ه زیر ، از د و طرف د رگیر مؤکد امی خواهیم :

- ۱) جنگ را فوراً قطع نمایند .
 - ۲) اختلافات خود را به طرق سیاسی ، حل و فصل کنند .
 - ۳) به آزادی تبلیغ و ترویج و حق فعالیت سیاسی - نظامی متعهد شوند .
- براین اساس ، ما آسادی کامل خود ، برای هرگونه شرکت فعال جهت پایان دادن به این د رگیریهی اعلام می د اریم .

شیخ عزالدین حسینی
چریکهای فدائی خلق ایران
چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش و هائیبخش خلقهای ایران)
سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران
د فترسیاسی سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
کومه له یکسانی کرد ستان - ایران

خرداد ۱۳۶۶

بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

و

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



مطابق با بیانیه سازمان چریکهای فدایی ایران



۱- مطالبات کارگری و ایجاد تشکل های مستقل توده ای کارگران ، دوسا زمان از کلبه فعالین و سا زمان نگران خود در جنبش کارگری و سایر فعالین این جنبش صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی دعوت می نماید تا در راستای سازماندهی مطالبات کارگری و ایجاد تشکل های مستقل توده ای کارگران گام بردارند .

۲- درخواستهای دموکراتیک توده ها ، از جمله سا زمان ندهی جنبش ضد جنگ توده ها در راستای تبدیل جنگ ارتجاعی کنونی به جنگ داخلی علیه رژیم جمهوری اسلامی ، دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق خلقهای تحت ستم .

۳- گسترش اتحاد عمل در خارج از کشور ، حول افشای رژیم جمهوری اسلامی ، همکاری در تشکل های دموکراتیک و اتحاد عمل در رابطه با دفاع از زندانیان سیاسی .

۴- گسترش همکاریهای فنی و تکنیکی . (در این زمینه دوسا زمان در عرصه همکاریهای فنی را دیوشی گامهای مؤثری برداشته اند) .

دوسا زمان متقدند اتحاد عمل های فوقی می توانند در راستای تحقق و گسترش هر چه بیشتر اتحاد عمل میان نیروهای انقلابی در جهت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی باشد .

هر چه گسترده تر با اتحاد عمل نیروهای انقلابی !
سرنوشتی با رژیم جمهوری اسلامی ! برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق !

سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
سا زمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶

جامعه ما امروز دوران حساسی را پشت سر می گذارد ، بحران سراسر جامعه را فرا گرفته است . هر چند که خدا انقلاب جمهوری اسلامی پس از قیام عظیم بهمن ، گامی گام به سرکوب مبارزات توده ها برداخت ، ولی بحران انقلابی همچنان ادامه دارد .

امروز بیش از هشت سال است که این رژیم ارتجاعی در انجام رسالت خود ، در هراست از نظم سرما به داری حاکم بر ایران ، سیاست سرکوب و کشتار عربان توده ها را در پیش روی خود قرار داده است . نزدیک به هفت سال است که این رژیم خدا انقلابی جنگی ارتجاعی و ویرانگر را بر جامعه ما تحمیل نموده و صدها هزار نفر را به کام مرگ و نیستی کشا نموده است . جنگ ، کشتار ، گرانسی ، بیکاری ، بی خاتمانی و تنهایی زندگی توده های کارگرو زحمتکش مشغله های جدایی ناپذیر این رژیم قرون وسطایی است .

این شرایط ضرورت سرنوشتی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را به هدف عاجل توده های کارگرو زحمتکش جامعه ما تبدیل کرده است .

از آنجا که سرنوشتی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی امروز بیش از همه ضرورت بسیج و سا زمان ندهی مبارزات انقلابی توده های کارگرو زحمتکش و ضرورت اتحاد عمل گسترده نیروهای انقلابی را می طلبد و از آنجا که نیروی اصلی بسیج و سا زمان ندهی مبارزه انقلابی توده ها همانا کارگران می باشند و سا زمان ندهی مبارزه توده کارگران از اهمیت درجه اول برخوردار است :

سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و سا زمان چریکهای فدایی خلق ایران مصمم هستند صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیک سیاسی خود - که برخوردارید از طریق دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک علنی صورت خواهد گرفت - بر اساس نقاط اشتراک موجود و برای دستیابی به هدف فوق اتحاد عمل های انقلابی حول موارد زیر بر سا زمان دهند :

حمله مزدوران جمهوری اسلامی به پناهندگان ایرانی در کراچی

همانگونه که در خبرهای همین شماره نشریه آمده و پناهندگان ایرانی بدلیل سیاست درمانی UN جان خود را از دست داده اند و در همین رابطه مابخشی از اعلامیه ششوزاری پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی را منعکس کردیم. بدنیال حادثه مرگ دلنماد صالح زهی تظاهرات آرام پناهندگان و آوارگان ایرانی مو رد حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در کراچی قرار گرفت. رفقای هسوادار سازمان طی اطلاعیه ای جزئیات حادثه را منعکس کرده و آنرا محکوم کردند. یادرج قسمتی از اعلامیه، خوانندگان نشریه پیام کارگسور را در جریان این حادثه قرار میدهم. "در تاریخ ۸۷/۴/۲۶، هنگامیکه، تسعدادی از مهاجرین به تنگ آمده از سیاستهای ارتجاعی رژیم اسلامی به دعوت شورای پناهندگان و آوارگان در کراچی در اعتراض به مرگ دوتن از پناهندگان ایرانی در طی ماه اخیر که بواسطه مجموعه سیاستهای UN بطورکامل و تضییقاتی که از نقطه نظر پزشکی و درمانی بطور خاص بر آنان رواگشته زندگی خود را از دست داده اند، دست به تظاهرات ایستاده جلوس ساختمان UN می زنند. در لحظات پایانی تظاهرات، ناگهان یک اتوبوس پراز مزدوران حزب اللهی پاکستانی، که به احتمال خیلی زیاد تعدادی از مزدوران اوباش و چماقدار از سوی سفارت رژیم جمهوری اسلامی در پاکستان سازماندهی شده بودند با استفاده از چوب و چماق و اسلحه و کلت و خشایانه و با ایجاد رعب و وحشت و تیراندازی هوایی به صفوف مردان و زنان آواره و تظاهرنکننده هجوم می برند. در طی این یورش و خشایانه که درحدود کمتر از دو دقیقه بطول انجامید دههاتن از پناهندگان با چوب و چماق مورد ضرب و شتم مزدوران رژیم اسلامی قرار میگیرند، که بر اثر شدت جراحات وارده به چند نفر، که موجب شکسته شدن سرو دستشان میگردد، سریعاً و اولین دقیق پس از دریافتی توسط پناهندگان به بیمارستان انتقال داده میشوند"

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان - کراچی نیز با صد و راطلا عینسه افشاگرانه و یک فراخوان پناهندگان و آوارگان ایرانی و هموطنان مبارز را به یک حرکت اعتراضی در مقابل سهل انگاریها و سکوت UN و جنایات جمهوری اسلامی در تاریخ ۸۷/۴/۲۹ در مقابل درج UN دعوت کرد. روز تظاهرات که تعداد قابل توجهی از پناهندگان در مقابل UN جمع شده بودند، با پلیس پاکستان که بدخواست UN به آنجا آمده بود مواجه شدند و تظاهرنکنندگان برای جلوگیری از دریافتی با پلیس به تد ریح متفرق گردیدند.

عکسها تعداد زیادی از پناهندگان ایرانی در پاکستان را که در حمله مزدوران رژیم بسختی از سر و صورت زخمی شده و با برخی دست و پایشان شکسته است، نشان می دهد.

یک پناهنده سیاسی ایرانی در اعتراض به سیاست های نژاد پرستانه درد انمارک خود سوزی کرد

دست به اعتصاب غذا خواهد زد. لازم بیاید آوری است که مسئولین بیمارستان قبل از این التیما توم به فعات مکرر از مصاحبه خبرنگاران با وی جلوگیری کرده بودند. تهیه به به اعتصاب غذا و فشار پناهندگان ایرانی به مسئولین بیمارستان موثر واقع شده بعد از چند روز خبر نگار "پلی تیکس" پرفروش ترین روزنامه انمارک به اطاق مریضه راه داده شد. فرد ای آنروز روز نامه مزبور علت خود سوزی را اعتراض به سیاستهای نژاد پرستانه بر علیه پناهندگان در انمارک عنوان نمود.

روز ۱۱ ماه به یک از هواداران شعی مسلحانه (هم استراتژی، هم تاکتیک) در یکی از محلات کهنهک خود را آتش زد. برخی از روزنامه های انمارکی علت خود سوزی را اختلالات روانی فرد پناهنده قلمداد کردند. پناهنده نامبرده که در اثر خود سوزی ۱۸ درصد بدنش (نیمسرخ، سینه، دستها) بشدت آسیب دیده است، در اعتراض به مندرجات روزنامه ها به مسئولین بیمارستان گفت که "اگر خبر نگاران روزنامه ها جهلست مصاحبه با وی به بیمارستان راه داده نشوند

آلمان غربی - نورنبرگ

پناهندگان ایرانی هایم شافنوف در نورنبرگ در تاریخ ۸۷/۶/۶، با تحریم غذا به مدت سه هفته خواستهای زیر مطرح کرده و عنوان نموده اند اگر در این مدت به خواستهای آنها پاسخ مثبت داده نشود، دست به اقدامات دیگری خواهند زد:

- ۱- قطع سیاست رد تقاضاهای پناهندگان سیاسی در دادگاهها بدلیل واهی و به رسمیت شناختن حقوق آنها بعنوان پناهندگان سیاسی
- ۲- کوتاه کردن مدت بلا تکلیفی و رسیدگی سریعتر به پرونده های پناهندگان و ارسال فوری جوابها
- ۳- تغییر محل زندگی پناهندگان از لاگر به منازل مسکونی در یک برنامه زمانبندی شده.

یک پناهنده گانائی از ترس استرداد خود را حلق آویز کرد

یک پناهنده ۳۲ ساله گانائی که تقاضای پناهندگی وی در آلمان فدرال رد شده بود، روز شنبه ۲۳ ماه مه در فرودگاه زوریخ خود را حلق آویز کرد. وی که بایک ویزای ترانزیت از هانوفر وارد زوریخ شده بود قصد داشت از کنترل فرودگاه عبور کرده و در سوئیس مجددا تقاضای پناهندگی کند. ولی پلیس فرودگاه او را دستگیر نموده و با انتقال به محل ترانزیت سوئیس ابرونگه اری او در یک سلول قصد داشت با پرواز بعدی او را به گانای برگرداند. حوالی ساعت پرواز، هنگامی که پلیس برای بردن وی به محل بازداشت مراجعه کرد، او خود را به دار آویخته بود!

آلمان غربی - بایرن

هیچد هم ماهه، پناهندگان شهر کوبورگ در اعتراض به نوع و کیفیت غذا، دست به تحریم غذا زدند، و در روز بعد پناهندگان شهرهای بادکسینگن بایرن، کولوم باخ، هرب و کولون باخ نیز اعتصاب خود را آغاز کردند. در روز بعد از اعتصاب پناهندگان بادکسینگن، مقامات شهری پذیرفتند که در مقابل غذا به پناهندگان شاین (برگه ای که توسط آن میشود از فروشگاهها خرید کرد، ولی خرید از طریق شاین تحقیر آور و مشکل است) تحویل دهند. اما پناهندگان خواستار پول نقد هستند تا خود بتوانند هنگام خرید براجتی حق انتخاب داشته باشند. گزارش شده است که سهشنبه ۲ ماه یونی اعتصاب بین کوبورگ با مقامات شهری مذاکره کرده و نتیجه ای بدست نیامد. پناهندگان تصمیم گرفته اند پس از چند روزا آغاز تحریم غذا، اگر به خواسته هایشان نرسند، در مرکز شهر دست به تحصن و یا اعتصاب غذا بزنند.



با پیام کارگر همکاری کنید!

سیاست درمانی سازمان ملل در کراچی باعث مرگ یک پناهنده ایرانی گردید!

آلمان غربی - و تر آو

روز جمعه ۲۲ ماهه پناهندگان ساکن در هتل در باد نوهام شهرستان و تر آو متفقا دست به اعتصاب زده و از گرفتن غذا خود داری کردند. این عده که حدود ۲۰ نفر بودند نسبت به کیفیت غذا اعتراض داشته و خواهان گرفتن پول به جای غذا بودند. اعتصاب تا روز دوشنبه ادامه داشت. اداره امور اجتماعی (سوسیال) شهرکه انتظار چنین حرکتی را از جانب پناهندگان نداشت، روز دوشنبه با گسیل ماورین خود به محل اعتصاب پناهندگان اعتصابی وارد مذاکره شد. آنها قبول دادند تا اول ماه ژوئن به خواستهای پناهندگان عمل کنند. پناهندگان اعتصابی با اعلام اینکه اگر تا اول ماه ژوئن به خواستهای آنها جواب مثبت داده نشود، دوباره اعتصاب خواهند کرد، به حرکت خود خاتمه دادند.

آلمان غربی - و تر آو

پناهندگان ساکن یک هتل در باد فیل بل واقع در شهرستان و تر آو که قبلا از طریق نامه به اداره امور اجتماعی (سوسیال) به کیفیت نازل غذا اعتراض کرده و در خواست کرده بودند بجای غذا، پول آن به پناهندگان پرداخت کرد، روز چهارشنبه ۲۶/۵/۸۷ برای صحبت بهرامین همین موضوع در سالن غذاخوری هتل گرد آمدند. خواست پناهندگان مثل دفعات قبل باز به بهانه های مختلف از طرف اداره امور اجتماعی رد شد. پناهندگان بلافاصله متحداً تصمیم به اعتصاب گرفته و از همان روز از تحویل گرفتن غذا خود داری کردند. اداره امور اجتماعی که در مقابل اتحاد پناهندگان جا خورده بود سعی کرد با سیاست دفع الوقت از حرکت اعتراضی آنها جلوگیری نماید. اما پناهندگان که با این فریب اداره امور اجتماعی (سوسیال) آشنائی دارند تا دریافت جواب قطعی تصمیم به ادامه اعتصاب گرفتند.

آلمان غربی - موندورف

پناهندگان ایرانی مقیم هایمها در موندورف با صدور اطلاعیه ای دست به تحریم غذا زده و خواستهای زیر را مطرح نموده اند: ۱- پرداخت پول بجای جیره غذایی ۲- دادن منزل مسکونی مستقل به پناهندگان به جای هایمهای کیف و غیر قابل زندگی ۳- پایان دادن به سیاست طولانی کردن بلا تکلیف وضعیت پناهندگی. لازم به یاد آوری است که اخیراً با تصمیم ادگلههای پناهندگی، تعداد رد شده ها بیزان زیادی بالا رفته و این مسئله در کنار طولانی شدن رسیدگی ها به وضعیت پناهندگان فشارهای فزاینده ای را به پناهندگان وارد میکند. پناهندگان ایرانی مقیم موندورف پس از انشای جنایت جمهوری اسلامی، از مجامع بین المللی، نیروهای ترقی خواه و بشردوستانه خواسته اند به وضعیت بسیار ناگوار و بلا تکلیفی مهاجرین ایرانی در ترکیه و پاکستان توجه نمایند.

هوشیار سازد که تنها و تنها سا زمانبایی پناهندگان در همه کشورهای و حرکت هماهنگ آنان قادر خواهد بود قدری از این فشارها کاسته و نهاد های ایسن چینی را مجبور به اجرای تام و تمام مشورهای خود که در روی کاغذها موجود است بنماید. شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان - کراچی به تاریخ ۱۹۸۷/۴/۴ اعلامیه ای را با عنوان "سیاستهای UN و از جمله سیاست پزشکی آن در کراچی قربانی ایرانی، افکار ترقی جهان، و نیروهای سازمانهای دمکراتیک و انقلابی!" همراه با عکس در لمراد صالح زهی منتشر کرده و در آن با درج بیوگرافی کوتاه در لمراد و چگونگی تراژدی مرگ وی از بیماری برفقان، و انقشای سیاستهای غیر انسانی UN از تمامی سازمانها، مجامع، احزاب دمکرات و طرفدار حقوق بشر، خواسته است که هیأتی را برای بررسی واقعه در دناک، در سازمانهای YMCA و از پزشکان طرف قراردادش اعزام کنند، تا عاملین مرگ در لمراد صالح زهی و خسرو امیریان شناخته گردند.

پناهنده ایرانی در لمراد صالح زهی متولد ۱۳۳۸ سران و دانشجوی سابق رشته مهندسی دانشگاه سیستان و بلوچستان بدلیل ابتلا به بیماری برفقان و تشخیص غلط از جانب پزشکان UN (مالاریا) در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۶۶ ساعت ۱۱/۲۰ شب درگذشت! در طول یکسال مرگ و پناهنده ایرانی در کراچی، آنها هم از بیماریهای قابل درمان و علاج در عصر ما، گویای عمق فاجعه ای است که نمایندگان سازمان ملل در کراچی از طریق سیاست درمانی خود بوجود آورده است. شرایط اسفبار زندگی صد ها هزار آواره ایرانی در پاکستان و ترکیه موجب بروز حوادثی می گردد که همرانسان آزاد های رانگرا می کند. از جمله اخیراً یک پناهنده ایرانی بخاطر اعتراض به همین شرایط نامطلوب در مقابل ساختمان UN در آنکارا خود را آتش زد تا نا پیگیری نهاد های بین المللی نظیر حقوق بشر، عفو بین الملل و سازمان ملل را که وظیفشان دفاع از حقوق انسانها، از جمله پناهندگان است، افشاء کرده و پناهندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و حتی در باصطلاح کشورهای آزاد و مهد دمکراسی را،



اعتصاب غذا برای حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

کمونیست آلمان، اتحادیه جوانان (DGB) کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری آلمان، امنستی، شهردار هومبورگ و مسئول کلیسای Evangelisch قوا گرفتند. در طول اعتصاب تعدادی از افراد امنستی در محل اعتصاب مستقر شده و غیر از ارائه برخی خدمات بانصب پلاکاردهائی جنایات و کشتار رژیم ایران را محکوم کرده و خواستار فرستادن نماینده به ایران برای باز دید از زندانها شدند.

آلمان غربی - شوالم ادر کرایز

در Schwalm-Eder-Kreis ۳۰ نفر و پناهندگان ایرانی در اعتراض به ادامه جنگ و کشتار برای ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران از تاریخ ۸ تا ۱۰ ماهه دست به اعتصاب غذا زدند. آنها همچنین با صدور اعلامیه ای خواهان قطع صدور اسلحه به ایران و عراق شدند. اعتصاب غذا مورد پشتیبانی اهالی منطقه، نمایندگان حزب سبزها، حزب

انحلال طلبی در تشکل های توده ای

است که در دوران انتقال از فرقه به حزبیت را تجربه میکند. حال در این قوس صعودی اگر مبارزه بسا گروه مداری به تقویت آید، حزبیت کمک نکند، یعنی از موضوعی انحلال طلبانه باشد، ما با گرایش همسو با ولایت فقیه روبرو می شویم.

به موضوع اگر از دید ریچه عملی هم نگاه کنیم نقش سازمان های سیاسی انکار نشدنی است. یک ویژگی شرایط حاضر اینست که شکل گیری کانون های مهاجرین و انجمن های دموکراتیک متأخر این چنین - های هواداری گروه های سیاسی صورت می گیرد. یعنی در خارج از کشور و سازمان های سیاسی فعالتر و گسترده تر از تشکل های صنفی - توده ای هستند. لذا در تمام این نوع سازمان های صنفی فراکسیونی ها یا فعالین گروه های سیاسی حضور دارند و تقریباً جزء نیروی اصلی مؤسسه این تشکل ها می باشند. این واقعیت در عین حال معرف این حقیقت است که نمی توان هیچ حوزه ای از زندگی اجتماعی را از نفوذ مبارزه طبقاتی مصون نگه داشت و منطقه منزهه ای مقابل رخنه سازمان های سیاسی ایجاد نمود. بنا بر این همانطور که نمی توان از تأثیرات مبارزه طبقاتی برکنار ماند همانطور نمی توان دیوار عبور - ناپذیری میان تشکل حزبی و تشکل دموکراتیک کشید. برای رفع سوء تفاهم خاطرنشان می کنیم عقیده ما مبنی بر ضرورت فراکسیونی حزبی در تشکل توده ای و مصون نبودن تشکل توده ای از نفوذ حزب سیاسی بمعنای رد استقلال تشکیلاتی تشکل توده ای از حزب سیاسی نیست. جهت صحبت ما متوجه دیدگاه های لیبرالی است که قصد دارند نفوذ دومی را در اولی مانع شوند؛ همانچنانکه در عرصه سیاسی چنین القامی کنند که رشد مبارزه طبقاتی به مبارزه دومی - کراتیک صدمه می زند یا دامن دومی با رشد اولی محدود ترمی شود. عقیده ما خیر معمولاً با ظاهر فریبنده اظهار می آید و وحدت تشکل توده ای بسا تبلیغ جانب دارانه حزبی به خطر می افتد. لنین در ریاسخ به این ادعای روزنامه "دانشجو" در سپتامبر ۱۹۰۳ چنین می نویسد: "مزید کامل و متقابل جریان های سیاسی بمعنی "منفجر کردن" اتحادیه های دانشجوئی و صنفی نیست. یک سوسیال دموکرات که وظیفه خود را کار در ریسمان دانشجویان قرار داد، حتماً می کوشد که خودش و یارانش را با سوسیال دموکرات مورد اعتمادش در تعداد هر چه بیشتر و هر چه جا معتبری از محافل "خالص دانشجوئی" و محافل خودآموزی نفوذ کند، می کوشد دید کسانی را که فقط آزادی های دموکراتیک می طلبند گسترش دهد، می کوشد در بین کسانی که هنوز در رجسجوی برنام های هستند، پیسرای برنامه سوسیال دموکراتیک تبلیغ کنند.

بنابر توضیحات یاد شده، اولاً نمی توان سدی میان تشکل توده ای و تشکل حزبی کشید، ثانیاً تبلیغ جانب دارانه حزبی تلاشی تشکل توده ای را بهمراه نداند، ثالثاً در وضعیت خاص جنبش ما که هنوز حزبیت از پوسته سکتاریستی کاملاً جدا نشده، تبلیغ انفرادی منشی و پرورش توده ها با روحیه

دموکراتیک بیرون! و این مقصود شان را باطریق گوناگون و زیر شعارهای متفاوت پیش می برند. از تبلیغ اصول لیبرالیستی اصالت فرد گرفته تا تحقیر تشکیلات سیاسی، از نفی و دفع فعالین وابسته به گروه های سیاسی تا انصراف از کار در تشکل به بهانه "رخنه" گروه های سیاسی، و بالاخره انشعاب و تشکیل یک کانون ویانجمن جداگانه. این روندی است که در آثار ما می دهد و بعنوان یک عامل تشمت و پراکنندگی تشکل ها را زبانتاسیل در روی تهمی می سازد. مناسباتی که میان طرفداران این گرایش و فعالین گروه ها در می گیرد - و این بعد از دعوی فراکسیونی های رنگارنگ گروه های سیاسی یکی از شدیدترین مشاجرات را تشکیل می دهد - منجر به خروج این یا آن طرف می گردد که در هر حال به ضرر دومی و قوام تشکل ها تمام می شود. اشتباه اساسی این طرز فکر آنست که ضعف تشکل های صنفی - توده ای را از خالصت گروه های سیاسی نتیجه می گیرد. بعبارت دیگر فعالیت حزب سیاسی را مانع بسط و توسعه تشکل توده ای می داند، به همین علت است که در استدلال آنها مرز روشنی میان نفی سکتاریسم و نفی حزبیت بطور کلی دیده نمی شود. اصولاً حذف تشکل سیاسی (واضح است که منظور ما، افراد فعال و فراکسیونی های احزاب است) از تشکل توده ای بمعنای تضعیف استخوان بندی تشکل توده ای است و بآمی احتیاط می توان ادعا کرد تصور بقای تشکل توده ای بدون فعالیت حزب سیاسی ناممکن است. حضور فعالین احزاب سیاسی در تشکل های توده ای شرط ادامه کاری تشکل است و شالوده این نوع سازمان ها برانزوی و تحریک فعالین احزاب قرار دارد. به همین علت است که ما معتقدیم مبارزه با سکتاریسم فقط از موضع دفاع قاطعانه از اصل حزبیت است که می تواند تشکل توده ای را هم در برابر گروه گرایشی هم انفرادی منشی روشن فکرانه تقویت کند. این واقعیتی است که گروه مداری همواره بهانه مناسبی بدست می دهد تا تحت آن اصل حزبیت مورد چون و چرا قرار گیرد. ولی همانقدر که گروه گرایشی سنی است در تشکل انفرادی منشی و انحلال طلبی آفت دیگر آنست. اگر سکتاریسم بهانه تجلی طفولیت مبارزه طبقاتی پرولتاریا و دشواری عدم توسعه یافتگی فرهنگ حزبی پیشروی تشکل توده ای را کند می سازد، انحلال طلبی گرایشی است که تشکل را از هم می پاشد. از نظر تاریخی نیز باید توجه داشت که رواج مفاهیم سیاسی چون حزب، سازمان و فرهنگ زحمتکشان ایران در سالهای پس از انقلاب تحول بزرگی در آگاهی سیاسی آنها ایجاد کرد، و این تحول یکی از بزرگترین دستاوردهای معنوی زحمتکشان کشور ما است. زیرا در جامعه ای با فرهنگ کهنسال پدر - سالزانه استبداد زده و پرورش یافته با روح فرمان برداری از شیخ شاه، تشکیلات فراخوانی است به قدرت جمع و اراد های که منشأ زمینی دارد. این یک سکوی فتح شده است و جنبش چپ ما بر پایه آن

غیرحزبی بدترین نوع انحلال طلبی است. همانا این گرایش است که سکتاریسم را ابدی خواهد کرد: زیرا برای بریدن از سکتاریسم راهی مناسب تر از کار توده ای و تلاش برای ایجاد تشکل صنفی - توده ای و نزدیکی کردن عناصر حزبی به تشکل توده ای وجود ندارد.

پذیرش تبلیغ آزادانه نظرات در تشکل های صنفی - توده ای و بنا بر این فعالیت با روحیه جانب دارانه حزبی بدنبال خود ضرورت تشکیل فراکسیونی ها را رسمیت خواهد داد. یعنی مبارزه گرایشات مختلف به هموارترین مجرای خود سرانجام خواهد شد. برای تشکل توده ای هیچ روشی دموکراتیک تر از رسمیت دادن به فراکسیونی ها نیست. هر روش دیگری به جز مبارزه فراکسیونی عملاً یا به انحلال تشکل منجر می گردد و یا او را مبدل به یک سازمان سیاسی می کند. این نکته ای است که لیبرال های انحلال طلب سالوسانه آنرا نادیده می گیرند و دعوی برای خام کردن توده ها، مبارزه فراکسیونی را عنصری علیه وحدت تشکل توده ای معرفی می کنند. چرا مبارزه فراکسیونی با هویت تشکل های توده ای انطباق دارد؟ زیرا، چنانکه در بالا اشاره شد، اولاً تشکل توده ای نمی تواند خود را از مسیر مبارزه طبقاتی دور نگذارد و از انعکاسات منافع گوناگون طبقات برکنار بماند، لذا همواره حامل گرایشات متفاوت و بنا بر این فراکسیونی های مختلفی است. ثانیاً اگر بخواهد اراده گرایانه و با اتکا به نیروی منفرد بین جلوه مبارزه فراکسیونی را سد کند ناچار خود فراکسیونی را در برابر دیگران سازماندهی کرده است و این نقض غرض است و در عمل غلطیدن به مواضع فراکسیونی لیبرالی است. بقول لنین دفاع از بیطرفی یعنی دفاع از لیبرالها (نقل به معنی). ثالثاً اگر راه آشتی میان فراکسیونی ها را در پیش گیرد شمره تلاشش تولد یک سازمان سیاسی میانگین است که مخرج مشترک گرایشات رنگارنگ را در خود گرد می آورد. بنا بر این یگانه راه مناسب برای حفظ هویت دموکراتیک و مستقل تشکل صنفی - توده ای تابعیت از منطبق مبارزه فراکسیونی است. بدیهی است هر آینه، اهداف اساسی تشکل صنفی فراموش نشود و تنگ نظری پوپولیستی جای منافع کل تشکل ننشیند، این منطق به هیچ وجه با گسترش توده ای تشکل مایبنتی نخواهد داشت. بخاطر داشته باشیم که پوپولیسم زلفه فراموشی و جانب داری حزبی، وابستگی به حزب و شروط بودن اعضا تشکل توده ای به پذیرش یک آید ثلوثی را استنباط می کند. این درک مطلقاً شیاطینی به درک مارکسیستی از مبارزه فراکسیونی، که هیچگاه استقلال تشکیلاتی سازمان توده ای را زیرپا نمی گذارد ندارد. بنا بر این ما چه در برابر محدود نگری پوپولیستی و چه انحلال طلبی لیبرالیستی معتقدیم بسط نفوذ تشکل توده ای وابسته به پذیرش استقلال اساساً تشکل و پذیرش مبارزه فراکسیونی است.

بعضی ها نام ستارگان را از حفظ دارند

من نام حسرت هارا

بمناسبت سالگرد مرگ ناظم حکمت

ناظم حکمت شاعر کمونیست ترک، ستاره تابناک آسمان ادبیات و هنر شرق، منتها سرآینده درد و امید و آرزوی زحمتکشان ترکیه بلکه جهان نیز بود. او در ۲۰۱۹ متولد شد و به همراه طوفان بنیدارکننده پولتاریا و خلق های سراسر گیتی - سالهای تولد، بلوغ و پیروزی بلشویسم و به پای خیزی ملل تحت ستم و فروپاشی امپراطوری عثمانی - رشد کرد، بالغ شد و چون آذرخشی در رتاریکی میهنش درخشید. اگر یکبارچگی صغوف کارگران و زحمتکشان، اگر انترناسیونالیسم پرولتری و پیوند خلقهای جهان - در فشرده ترین بیان - خود را در انترناسیونالیسم سوم نشان می داد، روح و احساس ورنج و سرنوشت و امید مشترک آنها نیز خود را در عرصه های دیگر از جمله هنر جهانی به نمایش می گذاشت و سلاجی می شد در رستان آنها. می توان گفت در عرصه شعر بی ادبش شعرائی چون ناظم حکمت، پابلونورد، لوسی - آراگون، ... جلوه ای از این حقیقت شکوهمند بودند.

سه سال بعد از انقلاب اکتبر، ناظم حکمت در وطنش شاعری است بی هیچ کم و کاست! اما او در این بسیاری و سیرابی، سراسرتشنگی است. وطنش تکه تکه شده، سیلی خورد، در زیر چکمه های اشغالگران خارجی و غارتگران داخلی در هم فرو کوبیده می شود و مردش باید تاوان خونین و مرگبار شرکت امپراطوری عثمانی را در جنگ اول، به ویژه بعد از شکست در ول متحد ببرد از بند اولین نغمه های کار، ستم، رنج، غارت، گرسنگی، نان، تحقیر، عشق، ... در رتن و جان ناظم نشنستند، از او گذر کردند، از ترکیه به سراسر گیتی پراکنده و برای همیشه او را و شعورش را بخد مت پابرهنگان در آوردند. حکمت در این دوره از ترقی خواهی و آرزوی انقلاب کبیر بورژوازی فرانسه به مدد ارهائی تام و تمام بشریت - سوسیالیسم - پروا نکرد.

در تلاش نزدیکی و آگاهی بخشیدن به مردم میهنش به معلمی در دهات پرداخت و دسیری نگذشت که فتودالها و مرتجعین تصمصیم به نابودنش گشتند. ناظم به کشورش و راه رفت و به تحصیل در رشته علوم سیاسی در دانشگاه ملل شرق پرداخت. در ۲۴-۱۹۲۴ با مرگ لنین کبیر به نمایندگی از طرف دانشگاه ۵۵ قیقه در کنفرانس لنین نگهبانی داد و سال بعد امکان بازگشت به استانبول را پیدا کرد. او که با تمام نیرو و توانش روی شعر کار می کرد در هیئت تحریریه مجله "روشنفکران" مشغول بکار شد و بطور وسیعی آثارش را منتشر ساخت.

مدتی نگذشت که سازمان امنیت "آتاتورک" برای شکارش تجهیز گردید. او به زندگی مخفی روی آورد و غیبی با به پانزده سال زندان محکوم گردید. ناظم که در بازگشت بخانواده گریانش گفته بود: "دیگر هرگز از شما جدا نخواهم شد" در و باره مجبور شد میهنش را مخفیانه ترک گوید و به اتحاد شوروی برود. بعد از دو سال ناظم حکمت بدنبال تصویب قانون عفو عمومی به ترکیه بازگشت و

بطور خستگی ناپذیر برنبرد را ادامه داد. مبارزه سیاسی برای رهائی زحمتکشان در رجهه فرهنگی، تحول شگرف در مضمون و شکل شعر سرزمینش، احاطه استادانه در ترکیب آیماها و ارتقا و فنای او زان کلاسیک، ... شعر او راه العاسی در رخسار و چه بسا برای مدتهای طولانی منحصر به فرد و شگرف مبدل نمود.

در سال ۱۹۳۲ تیغ دیکتاتوری تیزتر شد و ناظم دوباره دستگیر گردید و با ارائه دلائل کافی یعنی آثار و نوشته هایش، برایش تقاضای اعدام کردند. بعد از مبارزه ای شدیدی که فضای ترکیه

بشدت از آن متأثر شد و بعد از یکسال و نیم زندان محکومیت او به یکسال تقلیل یافت! آثار او اکنون سراسر ترکیه رافتح نموده بود. با اسم مستعار یا واقعی، مردم نغمه خوان در دوا مید خویش را با زبانش می شناختند. توطئه جبهه سود و سرمایه همچنان علیه او و به اشکال مختلف ادامه می یابد. شیخ فاشیسم هیتلری برفرا ز جهان بال می گستراند. حکومت ترکیه بانزده یکم شدن مرگ کمال آتاتورک هر چه بیشتر از طرف ستعگران و سگان اردوی سرمایه قبضه می گردد. خطر مرگ هردوستد ارضد یق زحمت - کشان و هواخواه سوسیالیسم را تهدید می کند. بقیه در صفحه ۱۵

به نویسندگان آسیا و آفریقا

برادرانم

به زردی موهایم نگاه نکنید

من آسیائی هستم

به آبی بودن چشمانم نگاه نکنید

من آفریقائی هستم

در سرزمین من در رختها به پای خودشان سایه نمی اندازند

عین سرزمین های شما

در سرزمین من نشان در کام شیراست

سرچشمه ها از دها خفته است

و مرگ پیش از پنجاه سالگی فرامی رسد در سرزمین من

عین سرزمین های شما

به زردی موهایم نگاه نکنید

من آسیائی هستم

به آبی بودن چشمانم نگاه نکنید

من آفریقائی هستم

هشتاد درصد مردم من خواندن و نوشتن نمی دانند

آنجا شعرها ترانه می شود و دهن به دهن می گردد

در سرزمین من شعرها می توانند به پرچم بدل شود

عین سرزمین های شما

برادرانم

شعرهای ما باید بتواند به گاو لاغر و نحیف بسته شود

و زمین را شخم کند

باید بتواند در شالیزارها

تا زانو در ریاطلاق فرو رود

باید بتواند همه چیز را بپرسد

باید بتواند همه نورها را بچیند

باید بتواند بر سر راهها بایستد

مانند سنگهای کیلومتر شمار، شعرهای ما

باید بتواند دشمن را که نزدیک می شود پیش از همه ببیند

باید بتواند در جنگل بر تمام های بکوبد

تا آن زمان که در جهان یک سرزمین آسیرو یک انسان آسیری باقی بماند

و در آسمان یک ابراتیسی

و شعرهای ما باید بتواند هر آنچه در از جان و مال و فکر او اندیشه در راه

آزادی بزرگ بدهد.

گزارشاتی از برگزاری مراسم اول ماه مه

پاریس = فرانسه

برای برگزاری هرچه باشکوه تر اول ماه مه ، اتحاد عملی بین نیروهای سیاسی زیر : سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، شورای عالی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، سازمان آزادی کار ، حزب دمکرات کردستان ایران ، ارشاد ، موحدین انقلابی و نشریه آفازی نو تحت نام " کمیته هماهنگی بزرگداشت اول ماه مه " شکل گرفت . این کمیته طی یک فراخوان از عموم ایرانیان تریخیخواه دعوت کرد که در این راهپیمایی شرکت کنند . راهپیمایی باشعارهای سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران ، مرگ برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، مرگ برجنگ ارتجاعی ایران و عراق ، زند هباد صلح ، زند هباد اول ماه مه روز همبستگی کارگران ، زند انی سیاسی آزاد باید گردد - شکنجه وعده ام نابود باید گردد ، کارگران جهان متحد شوید ، زند هباد آزادی - زند هباد صلح - زند هباد سوسیالیسم و زند هباد مبارزات خلق کرد ، انجام گرفت .

غیر از نیروهای شرکت کننده در کمیته تعدادی از ایرانیان مترقی و سرشناس نیز در صف راهپیمایی کمیته هماهنگی شرکت کردند .

فرانکفورت - آلمان غربی

همه ساله در فرانکفورت ، کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری آلمان فدرال راهپیمایی اول ماه مه را برگزار میکند و همسایه نیروهای چپ و مترقی هوادار طبقه کارگر بعنوان همبستگی با کارگران با شعارهای مستقل خود از این راهپیمایی حمایت کرده و در آن شرکت میکنند . امسال نیز در راهپیمایی که از محل پارک گونترسبورگ آغاز و تا مرکز شهومحل میهننگ و جشن اول ماه مه ، ادامه یافت جمعیتی حدود ۱۰۰-۱۵۰ هزار نفر از کارگران و هواداران آنان از ملت های گوناگون شرکت نمودند .

اعضا و هواداران سازمان در فرانکفورت یک هفته قبل از اول ماه مه در تاریخ ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ با انتشار اعلامیه ای تحت عنوان " راهپیمایی اول ماه مه را بیکارچه و باشکوه برگزار کنیم " همه هموطنان آگاه و مبارز مقیم فرانکفورت را برای اعلام همبستگی با مبارزه طبقه کارگر جهان و حمایت از خواست ۳۵ ساعت کار در هفته - شعار عمده تظاهرات به شرکت بیکارچه در این تظاهرات دعوت نمودند .

رفقا باشعارهای " صد بهکین سالگرد اول ماه مه روز همبستگی طبقه کارگر جهان مبارکباد " و مرگ بر جنگ و زند هباد صلح در راهپیمایی شرکت نموده و در مسیر راهپیمایی اعلامیه هایی برهان آلمانی در مورد صلح ، ایران هشتم سال تحت حکومت خمینی و اعلامیه کمیته خارج سازمان را پخش کردند .

کراچی = پاکستان

" کمیته برگزارکننده اول ماه مه " در کراچی متشکل از هواداران سازمانها و تشکلهای زیر :
 ۱- هواداران جنبش آزاد یخواهان بلوچ
 ۲- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
 ۳- انجمن هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق
 ۴- هواداران دکتورشریعتی
 ۵- شورای پناهندگان و آوارگان در کراچی
 ۶- هواداران راج زرمیش با صدور اعلامیه ای تحت عنوان " زند هباد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران " تصمیم خود را برای برگزاری اول ماه مه اعلام نمود . در قسمت پایانی اعلامیه ، بعد از ذکر تاریخچه مختصری از اول ماه مه و وضعیت طبقه کارگر ایران تحت رژیم جمهوری اسلامی چنین نوشته است :
 " هموطنان مبارزان ما بعنوان بخشی از ملت ایران که از جهنم سوزان رژیم ، مجبور به ترک کشور گشته ایم همبستگی خود را با کارگران و زحمتکشان اعلام می داریم . و صدای اعتراض خود را بر علیه ظلم و ستم بر کارگران ، سرکوب ملل تحت ستم ، جنگ و اختناق ، سرکوبهای عقیدتی و مذهبی ، علیه ستم جنسی بر زنان ، ، ، ، بلند می نمائیم . بی شک آینده از آن ماست .

زند هباد اول ماه مه ! زند هباد همبستگی بین المللی کارگران ! سرنگون باد رژیم ضد کارگری ایران !

پاکستان ۹/ اردیبهشت / ۱۳۶۶

لندن = انگلستان

پناهیاد دعوت شورای اتحادیه های کارگری انگلستان (T.U.C) در لندن بیش از ۱۵۰۰ نفر از ملیتهای مختلف از جمله : ایرانی ، کرد و ترک در یک راهپیمایی به مناسبت اول ماه مه (روز جهانی کارگر) شرکت کردند .

تعداد بسیاری از طرف اتحادیه های انگلیس در راهپیمایی شرکت کرده بودند ، این تعداد در مقایسه با سالهای پیش بسیار کم بود و نشانگر عقب نشینی جنبش طبقه کارگر در مقابل حملات چند سال اخیر بورژوازی به طبقه کارگران انگلیس است . رفقای ما در لندن در این راهپیمایی شرکت کرده و اعلامیه بزرگداشت اول ماه مه کمیته خارج از کشور سازمان را پخش نمودند .

لندن = انگلستان

" کمیته برگزارکننده اول ماه مه " متشکل از افراد منفرد سیاسی ، تنی چند از هواداران نیروهای سیاسی از جمله رفقای ما ، روز دوم ماه مه جشنی را برای بزرگداشت روز جهانی کارگر برگزار کرد . جشن ساعت ۱۱ بعد از ظهر با قرائت پیام کمیته برگزار کننده به دوزبان انگلیسی و فارسی آغاز گردید . سپس تری هریس یکی از کارگران معدن و جسودی جیل شورت از طرف کارگران چاپ سخنرانی نمودند . در قسمت های دیگر جشن پیام یک کارگر مبارز ایرانی قرائت گردید و تأثیری بانام " برنامه کارگران " که زندگی کارگران در محیط کار را تصویر میکرد اجرا گردید . همچنین موسیقی کردی و ایرلندی در جشن بمرور اجرا گذاشته شد .

برلین - آلمان غربی

روز اول ماه مه در ههزاران نفر از کارگران و نیروهای مترقی آلمان و خارجی در رژه اول ماه مه بزرگداشت روز کارگر و به نشان همبستگی بین المللی طبقه کارگر ، شرکت نمودند . در این راهپیمایی کارگران و نیروهای مترقی ترک با برنامه منظم حضور یافته و در یک گوشه میدان با اجرای رقصهای محلی ترکی توجه همگان را بخود جلب نمودند . رفقای ما نیز با پرچم و شعارهای خود در این راهپیمایی شرکت نمودند و اعلامیه های اول ماه مه را پخش نمودند .

ملبورن = استرالیا

رفیق شازم ملبورن - استرالیا - گزارشی داده است که در روز اول ماه مه تعدادی از ایرانیان طرفدار طبقه کارگر متحد اد راهپیمایی اول ماه مه در زیر پرچم مشترک باشعار " زند هباد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر " شرکت کردند .

گزارش حاکی است که در این راهپیمایی ۶۰۰ عدد از اعلامیه کمیته خارج از کشور سازمان به مناسبت اول ماه مه و تعدادی نشریه انگلیسی سازمان پخش گردید .

راجع به اول ماه مه

هانوفر - آلمان غربی

۱۳ سال پیش کمیته ای به نام کمیته اول ماه مه متشکل از نیروهای چپ و تریخیخواه آلمانی و خارجی در هانوفر (آلمان غربی) ، شکل گرفت . این کمیته هر ساله راه پیمایی اول ماه مه را با شعارهای رادیکال سازماندهی می کند .

رفقای ما در هانوفر که از سه سال پیش عضویین کمیته هستند ، امسال نیز مثل سالهای قبل در راهپیمایی با آرم و نام سازمان و باشعارهای : " اول ماه مه روز جهانی کارگر مبارکباد " ، " وحدت کارگران ، وحشت بهره کشان " ، " سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران " و " زند هباد همبستگی جهانی کارگران " ، شرکت کرده و به اجرای برنامه هنری - سیاسی شامل " پانتومیم از وضعیت کارگران ، جنگ و حکومت " و رقص محلی برنجکاران شمال " پرداختند ، که مورد استقبال شدیدی حاضرین قرار گرفت .



کدام معیارها کهنه شد ه اند؟

بقیه می گذارد و از اینکه انتقال رهبری مجاهدین به عراق این سا زمان و اباد شواری های جدیدی روی روبرو خواهد ساختند دل می سوزاند. در مناسبات میان این دو سا زمان ماد قیقا با همان الگویی روبرو هستیم که در گذشته میان اینها با رژیم اسلا می شاهد بودیم. از یک طرف برخورد شمامت آمیز و خوارکننده و از طرفی اپورتونیست ها خاکساری و چاکرمنشی و نصایح براد رانه، اینهمه بی پوفسیبی در برابر سا زمانی که سراپاد ریک برنا هار رجاعی فرورفته و ولایت ققیه تا زه ای را پرچم خود ساخت است و به دشمنی با کمونیست ها مباحثات می کند معنایی جز دشمنی با دموکراسی و ادامه همان مشی خیانت آمیزند. واقعت اینست که هم ما و هم اکثریت و حزب توده به همان معیارهای گذشته خود پای بندیم. اکثریت از ستایش قدرت دست نشسته و پیرو منطق انحلال طلبانه اتحاد همه نیروهای دوست و دشمن دموکراسی است، ما هم سرخرف خود ایستادیم، معتقدیم نباید به قدرت تمکین کرد و باید از دموکراسی بیگیرانه دفاع کرد و در اتحاد به مبارزه برای دموکراسی و انقلاب مشروط بود. این شرطی است که کمونیست ها در برابر احزاب متزلزل خرد بورژوازی و احزاب اپورتونیست می گذارند. با کمک همین شرط است که جنبش کمونیستی به تحکیم خود می پردازد و هژمونی خود را در میان اکثریت زحمتکش که خواهان مبارزه قاطعانه علیه ارتجاع و بورژوازی هستند بسط می دهد. و در شرایط مشخص جنبش ما که نفوذ خط مشی انقلابی با روند فریاد جبهه اپورتونیسم که هر روز شتاب تا زه ای می گیرد همزمان شده است، این شرط تقویت کننده ستون فقرات جنبش کمونیستی ایران است.

در پایان لازم است که اشاره کوتاهی به آن بخش از جمع بندی با اصطلاح کارنامه یکساله جنبش که در آن گوشه ای هم به راه کارگر زده شده، بکنیم تا روشن شود برخلاف آنچه اکثریت میخواهد القا کند موضع سا زمان ما نسبت به پلنوم هفتم سا زمان فدائیان خلق یکی دیگر از موفقیت های مشی کمونیستی در سیاست ائتلافی علیه اپورتونیسم بود است. در رابطه با این موضوع مقاله مورد بحث با شیوه ای طعنه آمیز و بالحنی شگفت زد می نویسد: به هر صورت شنیدن یک کلمه مشخص درباره اتحاد آنهم از سوی راه کارگر بسیار جالب و مثبت بود. اما در این اظهار نظر، اکثریت، که ملا مغرضانه و ابدانه انتقاد اتی را که پلنوم هفتم فدائیان خلق به مواضع گذشته خود وارد کرده، نادیده گرفته تا اولاً جریان انتقاد د رونی خود را از تمرکز بیشتر روی روند عقب نشینی اپورتونیسم بازارد. ثانیاً ربط این عقب نشینی با مواضع سا زمان ما را لا پوشایی کند، تا برخورد مناسب به پلنوم هفتم به حساب پاره ای تجدید نظرات و کوتاه آمدن هائی از طرف ما وانمود گردد. اما احتیاج همین اظهار نظر سا لوسانه می توان فهمید سلاحي که اپورتونیست ها بنا م سکتار بیسم غلبه سا زمان ما علم کرده بودند تا از تسری مواضع انقلابی ما در صفوف خویش جلوگیری کنند گارائیند ارد و مشی انقلابی همچنان در حال پیشروی است.

ستیری کماکان وسیله برائی است در رخ دست تفرقه جنبش. عدم پذیرش هرگونه اتحاد با حزب توده ایران به صورت یکی از شروط اتحاد در نزد برخی از سا زمان های مبارز درآمده است. این اندیشه، اندیشه ای غیرسیاسی است که تنها به یک انتقام - جوئی کینه توزانه شبیه است. در ادعای نخست، اکثریت در واقع قیاس به نفس کرده است. زیرا تا آنجا که حافظه ما اجازه می دهد قاطعی کردن مرز اتحاد و وحدت وصف حال اکثریت و حزب توده است که مسحو رجما ل رهبر ضد امپریالیست شان "امام خمینی"، و برای انحلال کامل در اردوی ضد انقلاب ولایت ققیه مقدمات آشتی سوسیالیسم علمی با اسلام فقهائی را شروع کرده بودند.

اماد در رابطه با مشروط کردن اتحاد با حزب توده باید اضافه کنیم تا آنجا که پای راه کارگر در میان است مانع فقط حزب توده بلکه خود اکثریت راهم مشروط به شرایطی کرده ایم. شرط ما در وضعیت کنونی اقرار و انتقاد علنی آنها از اعمال خیانت کارانه شان است. آیا در اینجا "ملاکهای کهنه شده" و "غیرسیاسی" دیده می شود؟ به خاطر داشته باشیم که برای جنبش خلق ایران دموکراسی یک خواست اساسی و "کهن" میباشد که استواری در دفاع از آن همواره یک ملاک تشخیص ماهیت مردمی احزاب سیاسی بشمار رفته است. جنگیدن برای دموکراسی و پشت نکره نه به آن به بهانه این یا آن اصلاح جزئی اجتماعی، آنگونه که رسم اپورتونیسم نوع توده ای - اکثریتی است، یا بی محتوا نکردن آن به قصد جلب همکاری با این یا آن حزب بورژوازی که از نیروی کمی و تشکیلاتی قابل ملاحظه ای برخوردار است پایه ائتلاف های سیاسی ما را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، ما برخلاف اپورتونیست ها که مبلغ فرمول انحلال - طلبانه اتحاد بهر قیمت می باشند بر محتوا و هدف اتحاد نظرداریم. چنانکه ملاحظه می شود، این ملاکها همان معیارهای کهن ولی همچنان تر و تازه انقلاب ما است. ملاک هنوز هم اعتقاد داشتن به دموکراسی و جنگیدن در راه آنست. بنا براین بدیهی است احزابی که در مقابل دموکراسی و انقلاب می ایستند و شریک سرکوب می شوند به این عمل خود مشروط می گردند، یعنی مناسبات سیاسی سایر احزاب با آنها بر مبنای موضع اینها در مقابل دموکراسی تنظیم می گردد. و این از محتوای کلاما سیاسی برخوردار است. زیرا در پشت سر این موضع مردم قرار گرفته اند. و درست به همین دلیل هم اتحاد با این چنین احزاب خیانت کاری نه تنها موجب تقویت بحورد دموکراسی نمی گردد، بلکه اینها خود یک عامل ضعف و پراکندگی جنبش هستند.

در بالا گفتیم یکی از مشخصه های بارز رژیم سیم توده ای عدم پایبندی به دموکراسی است. اینهم مسئله ای "قدیمی" ولی همچنان تازه است. در مقطع کنونی ندهم از کوشش های این دو سا زمان و حزب برای تأمین با اصطلاح اتحاد "نیروهای ترقی خواه" صرف چشم و ابرو نشان دادن به سا زمان مجاهدین می شود. در همین مقاله اکثریت با استفاده از ضمیر جمعی "ما سا زمان های انقلابی و پیشاهنگ مردم" سا زمان مجاهدین را هم در کنار

واقعت قضیه اینست که روند اتحاد این دو سا زمان اپورتونیست (حزب توده - اکثریت) با شواری های متعددی مواجه شده و افزایش مقاومت ها و اعتراضات بویژه در صفوف اکثریت، رهبری اپورتونیست این سا زمان را با مشکلات بخرنجی مواجه ساخته است، بگونه ای که نه فقط طرح اتحاد با احزاب توده وارد دست انداز شده بلکه وحدت درونی خود او نیز مختلط شده افتاده است. بد نیست بدانیم، پیش از اینکه بحران به این نقطه برسد، رهبری اکثریت طی یک رشته اقدامات کوشید ذهنیت نیروهای خود را به سمتی منحرف نماید که مشی خیانت کارانه همکاری با رژیم جمهوری اسلا می حتی المقدور کمتر مورد چون و چرا قرار گیرد، که اپورتونیسم با کمترین تلفات از این گرده نه صعب عبور داده شود! به این جهت بود که شعار سرنگونی طرح گردید، تاکتیک "تعزیر سیاسی تبلیغی" اتخاذ شد، سنت "فرخنده" فدایی بارید یگر حمله گرانه جشن گرفته شد، برای تحکیم رهبری از احزاب برادر متحد به جمع آوری شد و بالاخره برای خروج از انزوای مهابر حبران شعار اتحاد این بار بارنگد یگر بر سر د رایست سا زمان نصب گردید.

علی رغم بی نتیجه ماندن اقدامات یاد شده و بنا بر این بسط دامنه بحران و افزایش شمار ناراضیان، رهبری اپورتونیست کماکان همان شیوه ها را ادامه میدهد. برای نمونه در مقاله مورد نظرس از جاکردن خود در میان "سا زمان های انقلابی و پیشاهنگ مردم" و بعد از بر سر آمدن آمار و ارقام در رشت در زمینه بخش نشریه و اعلامیه رایبران می نویسد: "سا زمان ما در بهار و تابستان بسا انگیزش و رهنمود پلنوم وسیع فروردین ماه تعرض سیاسی و تبلیغاتی وسیع و مؤثری را علیه رژیم پیش برد. "لاف زدن از قدرت و کمیت سا زمان همواره به عنوان یکی از ابزارهای رهبری اپورتونیست در رخ دست منکوب کردن فکراتقادی در میان اعضا و هواداران این سا زمان بکار رفته است. ولی اینبار نتیجه کلاما معکوس خواهد بود. زیرا همه آنها می که مدتی از این تبلیغات تأثیر می پذیرند امروز سؤال خواهند کرد آیا اتحاد مشی تعرض سیاسی - تبلیغی وسیع برای سا زمانی با آن پیشینه غلنی که بسیاری از فعالین خود را در معرض دید پلیس سیاسی قرار داده بود یک ماجراجویی سیاسی نبوده است؟ سؤال خواهند کرد آیا در پشت این عمل ماجرا - جویانه که به قیمت قربانی شدن تعداد زیادی از فعالین سا زمان انجام گرفت انگیزه فرصت طلبانه ای برای کسب حیثیت و بقای رهبری نبوده است؟

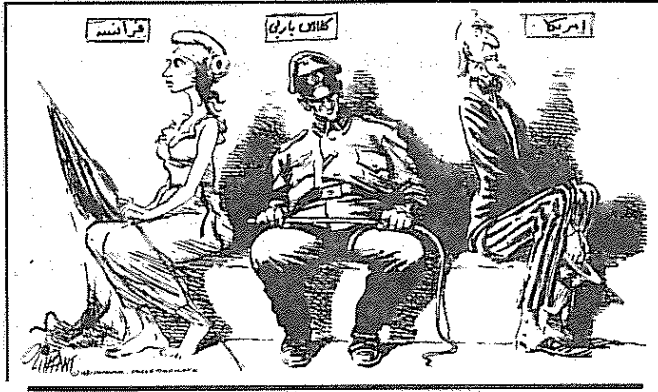
گفتیم، یکی دیگر از شگرد های رهبری اکثریت برای غلبه بر اوضاع آشفته کنونی و پایان دادن به انزوای دردناک خود و حزب توده طرح شعار اتحاد می باشد که در مقاله کار ۳۸ بارید یگر مطرح گردیده. در این مقاله اکثریت ادعا میکند به جزا و که تفاوت و مفهوم اتحاد و وحدت را درک میکند، دیگران این دو را با یکدیگر قاطعی می کنند و اضافه می کند "از سوی دیگر تسود های

گشتاپو در خدمت امپریالیسم آمریکا

اینروزها "کلاس باری" رئیس گشتاپو (پلیس هیتلری) شهر لیبون در زمان اشغال فرانسه توسط نازیها، در همان شهر لیبون محاکمه میشود. او بدلیل هزاران جنایت فحیح از جمله کشتن "ژان مولن" از رهبران کمونیست نهضت مقاومت و اعزام ۴ کودکیتیم یهودی به اردوگاههای مرگ، محاکمه و رانظارت مجازات است. اما در طی این محاکمه سائلی افشاگر دید که چهره نیک کرده آمریکا را در میان میکند. سرگرد سابق ارتش آمریکا در دوره جنگ جهانی دوم و بعد از آن بنام "آرهارد رابرتس" هاس فاش نمود که جناب "باربی" از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ در خدمت ادرا اطلاعات ارتش آمریکا در آلمان بوده است. این افسر سابق گفت باری در همان زمان با صراحت و بدون شرم از دوره خدمت در گشتاپو سخن میگفت. "یوگن کولب" افسرد یگری که سمت ریاست بر باری را در ارتش آمریکا داشته است عنوان کرد که باری مسئول نفوذ در حزب کمونیست آلمان و نفوذ در سازمان اطلاعاتی فرانسه بوده است و آنها میخواهند از توانائی () او بهترین استفاده را بکنند. بعد از ارسال ۱۹۵۱ این جنایتکار بدستور اربابان آمریکائی و با کمک آنها به بولیوی میرود و تا سال ۱۹۶۴ بعنوان کارشناس پلیس و بازرگانی در خدمت دولت بولیوی قرار میگردد. همچنین وی با تأسیس یک شرکت کشتیرانی با کمک عوامل سابق اس - اس دستجات تروریست سرکوب در بولیوی را سازمان داد.

نظا هرات دانشجویی در هانوفر - آلمان غربی علیه شهبه

اخیراد رایالت نی در زاکسون آلمان غربی، GDU (حزب دموکرات مسیحی) طرحی را به مجلس ایالتی برد هاست که در صورت تصویب آن دانشجویان مجبور خواهند شد برای هر ترم اضافه علاوه بر ترمهای مقرر شده در قانون ۱۰۰۰ مارک شهریه بپردازند. از آنجائیکه طولانی شدن ترمهای تحصیلی دانشجویان پدیدهای عمومی است و عمدتاً دانشجویان اقشار متوسط و فقیر هستند که بخاطر ترمین هزینه زندگی و تحصیل خود مجبورند چند ترم را در دوران تحصیل خود به کار در کارخانجات مشغول شوند، اعتراضات زیادی را در میان آنان برانگیخته است. دانشجویان این ایالت و ایالت ها میبورند در تاریخ ۲۸ آوریل به دعوت تشکلهای خود در هانوفر به خیابانها آمده و به این طرح اعتراض نمودند. حدود ۸۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت کردند. روز ۱۴ مه نیز دانشجویان رشته های مختلف تحصیلی از دانشکده های خود حرکت کرده و در یک نقطه بهم پیوستند و طی قطعنامه ای علیه این لایحه به مخالفت برخاستند. در این تظاهرات که دانش آموزان دبیرستانی هم به حمایت از دانشجویان آمده بودند، حد و حدود ۲۰۰ نفر شرکت کردند. تا بحال دانشجویان غیر از این آکسیونها، حرکت های اعتراضی متعددی را به اشکال گوناگون سازماندهی کردند.



راهپیمائی برای صلح

روز شنبه ۲۵ آوریل بیش از صد هزار نفر به خاطر مبارزه برای صلح و خلع سلاح اتمی در شهر لندن دست به راهپیمائی زدند. شعار آنها هر یک کنندگان که از اقشار مختلف جامعه بودند برجیدن سلاحهای اتمی از خاک انگلستان بود. برعکس سال گذشته که راهپیمائی "مبارزه برای خلع سلاح اتمی" (CND) در اعتراض به هر دو کشور شوروی و آمریکا صورت گرفت، سال اغلب

انگلستان - پایان اشغال کارخانه کاترپیلار

بعد از ۱۰۳ روز اشغال کارخانه، کارگران کاترپیلار در اسکاتلند در روز ۲۷ آوریل به سرکار بازگشتند. بدنبال تهدید سرمایه داران به تعطیل کارخانه و اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه توسط کارگران اشغال شده بود. شرکت کاترپیلار یک کهنائی چند ملیتی آمریکا-ئی است. این کسانیی در عرض چند سال گذشته ۷ کارخانه در آمریکا و کارخانه در انگلستان را تعطیل کرده و بیش از ۳۴ هزار کارگر را اخراج کرده است. این درحالیست که کهنائی در سال گذشته ۲/۳ میلیارد دلار فروش داشته که ۱۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد. برای مقابله با این موج تعطیلی کارگران کهنائی متشکل از کارگران کارخانجات کاترپیلار در فرانسه، انگلستان و بلژیک تشکیل دادند. کارگران تنها کارخانه را اشغال کرده بودند بلکه زیر نظر "کمیته هماهنگی اشغال" خط تولید را هم براه انداختند. از جمله تولیدات کارگران تراکتوری بود که آنرا پلنگ صورتی نام نهادند. کارگران یک عدد از این تراکتور را به نیکاراگوئه هدیه کردند ولی صاحبان کارخانه از طریق دادگاههای انگلستان از صد و این تراکتور جلوگیری نمودند. برای درهم شکستن این حرکت کارگری، دولت انگلیس از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. با این حال در نتیجه مقاومت کارگران، تصمیم نهایی برای بستن کارخانه به مدت ۵ ماه به تعویق افتاد. در جریان اشغال کارخانه نقش فرصت طلبانه شورای اتحادیه های اسکاتلند، STUC و رهبران اتحادیه فنی کاران، AEU برای پایان دادن به اشغال با رد یگرنشان داد این رهبران سازش کار که از منافع کارگران بلکه از منافع سرمایه داران حمایت می کنند.

شعارها و سخنرانیها از پیشنها دات شوروی مبنی بر برجیدن سلاح های اتمی از اروپا و سایر پیشنها دات گورباچف درباره خلع سلاح اتمی پشتیبانی میکردند و این نشانه رحامیت روزافزون توده های صلح طلب جهان از ابتکارات اتحاد جماهیر شوروی در خلع سلاح عموم و در پیشبرد صلح جهانی است.

رفقای هوادار سازمان ماضن شرکت در رایین راهپیمائی با پیش اعلامیه ای علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق، تظاهرات کردند. رابه مخالفت علیه این جنگ و اعتراض به فروش اسلحه از طرف دولت انگلیس دعوت کردند.

اخبار کوتاه

● در انتخابات فلیپین، هزب خانم اکینو ۲۲ کرسی از ۲۴ کرسی سنا و اکثریت مجلس ۲۰۰ نفری را بدست آورد. مخالفین در مورد تقلب و سیخ در انتخابات سخن میگویند. اکینو در یک سخنرانی در پایگاه هوایی چهره خود را بادر خواست رسمی سلاح از آمریکا برای جنگ با کمونیستها آشکارتر کرد او گفت ما به سلاح احتیاج داریم و نمیتوانیم با چنگ و دندان با کمونیستها بجنگیم.

● دولت آرژانتین لایحه ای را تصویب کرد که بموجب آن تعداد زیادی از افسران دوره حکومت نظامی سابق از مجازات و محاکمه بعلمت ارتکاب جنایت و نقض حقوق بشر معاف میشوند. در تظاهراتی که علیه تصویب این قانون بهما شد ۲۸ نفر دستگیر گردید.

● رهبران شش کشور آرژانتین، مکزیک، سوئد، هند، تانزانیا، یونان در اعلامیه مشترکی پشتیبانی خود را از پیشنهادات مربوط به خلع سلاح اتمی اظهار داشتند.

● فوانسو میتران رئیس جمهور فرانسه موافقت خود را با پیشنهادت شوروی برای کاهش موشکها اعلام داشت. فرانسه موضعگیری رسمی در این مورد را منوط به اخذ تصمیم از جانب متحدش، دولت آلمان قدرال، نموده است.

● بزرگترین بانک جهان یعنی سی تی بانک نیویورک، ۳ میلیارد دلار از طلبهای خود را که عمدتاً از کشورهای در حال توسعه است نادیده میگیرد. این عمل بانکداران بعلمت جنبش عدم برداخت بدیهما از سوی کشورهای فقیر و بعنوان یک عقب نشینی بازدارنده تلقی میشود.

● استرالیا د فائرد بیلما تیک لیبی در آنگسور را بعلمت ایجاد نا آرامی در اقیانوسیه، تعطیل کرد.

ادامه از صفحه ۱۲

گزارشاتی از برگزاری...

استکھلم - سوئد

مراسم بزرگداشت روز اول ماه مه در استکھلم - سوئد : استکھلم در روز اول ماه مه شاهد راهپیمایی پرشکوهِ کارگران بود . آنها با شرکت در اجتماعات مختلف در این روز همبستگی طبقاتی و هم سزوشتی خود را به نمایش گذاردند . بزرگترین گرد همائی متعلق به حزب سوسیال د مکرآت و بعد از آن " حزب کمونیست چپ " بود . نیروهای سیاسی دیگر از آنرا رشتیستها تا سندیکالستهای نیز مراسم و اجتماعات جداگانه خود را برگزار کردند . شعرا بعد از کارگران سوئدی در رهبتینگ حزب کمونیست چپ که به روی پلاکارد ها ه متعدد دی نوشته شد بود ، ۳۵ ساعت کار در هفته بود .

رفقای سازمان ماد استکھلم با پخش و چسباندن آفیش های اول ماه مه ، برود رود پیوار شهر ، بویژه محل سکونت پناهندگان ایرانی به استقبال اول ماه مه رفتند . آنها در روز اول ماه مه در رهبتینگ های گوناگون اعلامیه پخش کردند و همچنین به همراه هد های دیگر از ایرانیان در رسفا راهپیمائی " حزب کمونیست چپ " باشعرا " کارگران همه کشورها متحد شوید " شرکت کردند .

هاید لبرگ - آلمان غربی

مراسم اول ماه مه مطابق سنت همبستگی توسط اتحادیه سراسری کارگران آلمان - هاید لبرگ و نیروهای سیاسی مترقی برگزار گردید . در این مراسم رفقای هوادار سازمان ماد رهاید لبرگ ، با پخش اعلامیه به مناسبت اول ماه مه ، به همراه کارگران آلمان در تظاهرات شرکت نمود و همبستگی جهانی طبقه کارگر را گرامی داشتند .

کپنهاک - دانمارک

بزرگداشت اول ماه مه ، امسال در کپنهاک با شکوهی د لید به همراه بود . رفقای هوادار سازمان همراه با کارگران دانمارک و دیگر نیروها ، خاطره رزم کارگران شیکاگو را گرامی داشتند . رفقای ما با پخش پوسترا اول ماه مه ، اعلامیه و تراکت ، تبلیغ وسیعی را سازماندهی کردند . عکس گوشه ای از مراسم را نشان می دهد .



نوشت : " توبه ما یاد دادی که چگونه انسانها را دوست بد آریم و ما اکنون برای آزادی تو می جنگیم " . فریاد آزادی زندانیان سیاسی تمام ترکیه را فراموش می گیرد و آزادی ناظم حکمت با آزادی زندانیان سیاسی و " عفو عمومی " پیوند می خورد . به همین خاطر او تصمیم به اعتصاب غذای نامحدود میگیرد : آزادی یا مرگ !

بعد از یک دوره مبارزات ، حمایت روزافزون محافظ بین المللی و اعلام اعتصاب غذای متعدد همبستگی در جهان و ترکیه و ... سرانجام ناظم حکمت در ۱۵ ژوئن ۱۹۵۰ آزاد گردید . او توانست تنها مدت کوتاهی که پرا توطئه و تهدید و محاصره و تعقیب و فشار بود با خلق خویش به دو وازشلاق و دیوارهای بتنی زندگی کند . در ۱۹۵۱ بدنیبال افزایش فشار و توطئه مجد د برای دستگیری یسا نابودی اش ، یک روز توفانی بوسیله یک قایق موتوری کوچک به همراه رفیقی دل به دریا زد . طوفان بیداد می کرد . موتوریقای از کار افتاد و آنها ساعتی مدید با مرگ دست و پنجه نرم می کردند که بایک کشتی متعلق به رومانی برخورد نمودند . ناظم خطاب به ملوانانی که بر عرشه آن با حیرت بدین برکاه اسیرا موج می نگیستند ، فریاد زد " من ناظم حکمت شاعر ترک هستم ، به کاپیتن خبر دهید . " کشتی گذشت و بعد از لحظاتی توقف کرد . مدتی بعد ناظم حکمت در وطن دوم خود اتحار شوروری بود .

از این به بعد تالخطه مرگش - سحرگاه روز سوم ژوئیه ۱۹۶۳ در مسکو بدیگرنخواست بر خاک میهنش بوسه ای زند . طی این سالها با زهم سرود و سرود و به کشورهای زیادی سفر کرد و انقلاب انانی را که برای آزادی اش تلاش کردند در آغوش کشید . در ۱۹۶۱ در رستنیوال جوانان برلین بسا " پابلو نرودا " دیدار کرد . در خیابانهای هاوانا به همراه جوانان رژه رفت و ... میلیونها نفر در سراسر جهان که شعر حکمت و سودای حکمت را می شناسند در رهگش اند و هگین شدند و بسیاری از بزرگان ادب برایش سرودند .

برگشت فوری به محل سابق خود شده اند . طبق گفته یکی از مسئولین کمون آنان بزودی به شهر قبلی برگردانده خواهند شد . طبق تصمیم اداره مهاجرت ، کمون Mellerud تا سال ۱۹۸۹ ، ۲۵ پناهنده جدید خواهد پذیرفت .

تظاهرات ۲۰۰ نفره تیونازیا

آلمان غربی - شلوشترن

دوم ماهه علیرغم مخالفت شهردار شلوشترن در ایالت هسن ، د یکی از شهرکهای ایالت به نام STEINAU ، ۲۰۰ نفر ازنازیها در ساختمانی سخنرانی کرده و بعد از رشب شلوشترن به تظاهرات پرداختند . نتونازیاها که تن از پناهندگان راگروگان گرفته بودند ، با پلیس که قصد آزاد کردن آنها را داشت درگیر شدند . در این درگیری ۲۸ تن از نتونازیاها دستگیر شدند . پس از متفرق شدن تظاهرات نازیها ، مردم شهر شلوشترن به خیابانها ریخته و به مخالفت با آنها پرداختند . تلویزیون آلمان (فرانکفورت) تظاهرات نتونازیا را به نمایش گذاشت ، اما از اعتراض مردم سخنی به میان نیامد .

ادامه از صفحه ۱۱ بعضی ها نام ستارگان را ...

حکمت ستاره درخشان ادبیات و هنر انقلابی ترکیه هدف مقدماست . کتاب " نامه های به تارانتا بابو " که به نحو شگرفی چهره جبهه فاشیسم را به جهانیان نشان می دهد در این زمان منتشر شد .

در ۱۹۳۸ ناظم حکمت دوباره دستگیر و به بازداشتگاه نظامی برده شد . بدین ملاقات ، بدین یک کلمه حرف ششماه در یک سلول کوچک و تاریک و متردرد و مترنگاه داشته شد . توطئه گسترش یافت و بباد ستگیری تعد ادی از دانشجویان دانشکده افسری که ناظم مطلقا با آنان رابطه تشکیلاتی نداشت بعنوان طرح " شورش در نیروهای مسلح به رهبری ناظم حکمت " پیش برده شد . ماحصل مدتها شکنجه و آزار ۲۸ سال زندان برای ناظم حکمت ۳۷ ساله بود . ۲۸ سال زندان برای مردی با ذات الریه و درد سیاتیک و رماتیسم حاد و ناراحتی قلبی و کارد زندان برای امرایعاش ! جنگ جهانی دوم به پایان می رسد ، آثار او که مخفیانه خارج می شود در اروپا منتشر می گردد . تمام این مدت ناظم در زندان بی وقفه آثار بزرگی خلق می نماید . امام دشمنان مردم اجازته می دهند کلمه ای در باره او در وطنش رسما گفته شود .

در اواخر ۱۹۴۹ شرایط سیاسی اندکی شروع به تغییر می نماید . " محمد علی سبک " و کیسل د ادگستری مقالاتی تکان دهنده در باره غیرقانونی بودن محکومیت ناظم حکمت - " دریفوس - ناظم حکمت " - منتشر می کند . نیروهای مترقی و محافظ پیشرو جهان برای آزادی او به پایم خیزند . " کمیته نجات ناظم حکمت " در پاریس بیانیه ای با امضاء شخصیت های چون برتراند برشت ، پابلو نرودا ، ژان پل سارتر ، پابلویکاسو ، سا زمان یوشکو و ... منتشر می نماید .

ناقص در ترکیه نیز به صداد آمد . اعلامیه ها و پوسترها و آفیش های فراوان در رود یوار شهرهای بزرگ ترکیه را پوشاند . جهان فریاد برداشت : " ناظم حکمت را آزاد کنید ! " . خلق خطاب به او

نژاد پرستان علیه پناهندگان

سوئد - استکھلم - روزشنبه د دوم ماه مه تعد اد ۳۰ نفر از نژاد پرستان (راسیستها) سوئدی بسا تجمع در پایستگاه مرکزی متروی استکھلم بادان شعارهای ضد کمونیستی و ضد خارجی به مخالفت با حضور مهاجرین در سوئد پرداختند . حدود ۱۵۰ نفر از سوئد و مهاجرین که تعد اد قابل توجهی از آنان را پناهندگان ایرانی تشکیل میدادند ، با شعارهای ضد راسیستی ، نژاد پرستان را احاطه کرده و مانع از پخش اعلامیه آنها شدند . درگیری مختصری بین نژاد پرستان و نیروهای مخالف آنها بوجود آمد ، که با رسیدن پلیس درگیری خاتمه یافت . تظاهرات راسیستها بدین اجازه پلیس و غیرقانونی بود . سوئد - ملرود

دوشنبه پنجم ماه مه تعد ادی از نژاد پرستان سوار بر ۳ دستگاه اتومبیل در Mellerud یکی از شهرهای کوچک سوئد به خانه های پناهندگان حمله کرده و شیشه های پنجره ها را شکستند . آنها با فریاد شعارهای ضد خارجی پناهندگان را تهدید می کردند . مسئولین کمون (شهرک) پس از این حادثه ۱۶ نفر از پناهندگان را به محصل دیگری انتقال دادند . پناهندگان خواستار

دوستان هواداران و اعضای

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

انتشار منظم و با کیفیت ارگان مرکزی ، نشریات کمیته های منطقه ای و ده ها کتاب و جزوه سازمان و رساندن آنها بدست هزاران پویانده راه آزادی و سوسیالیسم در داخل و خارج از کشور ، گسترش روزافزون فعالیت و احدها و کمیته های سازمان در شرایط سرکوب شدیدی داخل کشور ، فعالیت کمیته کردستان در مقابله مسلحان با رژیم فحشا ، فعالیت کمیته بلوچستان در رویی با توطئه های رژیم در منطقه و جنب و جوش خانها و سلطنت طلبان ، و همچنین تاسیس ایستگاه رادیویی " صدای کارگر " و گسترش برنامه های آن هزینه سنگینی را بردوش سازمان تحمیل میکنند . این هزینه ها تاکنون با اتکا به جان فشانی ها و حمایت های بیدریغ مادی و معنوی شما تامین شده اند . تدوم و گسترش فعالیت های انقلابی سازمان در تمامی عرصه ها نیازمند کمکهای هر چه بیشتر همه علاقه مندان به اهداف انقلاب و پیروزی طبقه کارگر میباشد . دوستان و رفقای عزیز ، شما میتوانید کمکهای مالیتان را از کانال های گوناگون برای سازمان ارسال کنید . بدین منظور برای اطمینان از این که کمک های شما به سازمان میرسد تقاضا میکنیم کمک های خود را همراه یک اسم انتخابی و حرف اول اسمتان و یک عدد (کد) دورقمی از طریق آشنایان ، کانال های سازمانی و یا از طریق آدرس ها و شماره حساب بانکی سازمان در آلمان و فرانسه برای ما ارسال کنید .

مادر هر شماره نشریه پیام کارگر کد و رقم کمک مالی ارسالی شما را با هم جمع کرده و عدد حاصل شده را در مقابل اسم و یا حرف اول اسم شما درج خواهیم کرد . بعنوان مثال : رفیق الف همراه با کد ۴۴ مبلغی معادل ۵۰۰ مارک کمک مالی برای سازمان ارسال کرده است . ما با جمع ۴۴ + ۵۰۰ عدد ۹۴۴ را در مقابل حرف الف بصورت زیر درج خواهیم کرد : الف - ۹۴۴

پس از یک دوره بر نامه زمانی

سخنرانی در کلن

در تاریخ هفتم اردیبهشت ماه اسامی بدعوت رفقای هوادار در شهر کلن - آلمان غربی - جلسه سخنرانی تحت عنوان " انقلاب ایران و نظریه رفرمیستی انقلاب ملی - دموکراتیک " برگزار گردید . در این جلسه سخنران ابتدا به تحلیل ماهیت مناسبات سرمایه داری حاکم بر ایران پرداخت و با تشریح مضمون انقلاب دموکراتیک ضد سرمایه داری ، نظریه رفرمیستی انقلاب دموکراتیک ملی را افشا نمود . در پایان سخنرانی تعداد زیادی از حاضران در جلسه پرسش های خود را ارائه دادند و از طرف سخنران به آنها جواب داده شد . با وجود اینکه جلسه چهار ساعت به درازا کشید تعدادی از پرسش ها به علت کمبود وقت بی جواب ماند و رفیق گرداننده جلسه اعلام نمود در آینده جلسات بیشتری برگزار خواهند کرد . مضمون سخنرانی و پاسخ به سئوال ها با استقبال گرم حاضران روبرو گردید !

نامه های رسیده

- ۱- رفیق مسعود ترجمه های شما رسید . در موقعیت مناسبی از آنها استفاده خواهیم کرد . همکاریتان را با ما ادامه دهید . موفق باشید .
- ۲- رفیق الف - ت طرح شما بدستمان رسید هاست ، امید داریم که در کارتان هر روز پیشرفت های بیشتری نائل آئید .
- ۳- رفیق ن - ن تا بحال هر چه طرح فرستاده اید بدستمان رسیده است . با انتشار پیام کارگر ما امکان بیشتری برای استفاده از طرح های شما خواهیم داشت . در انتظار کارهای دیگرستان هستیم .

اخبار خارجی

د در صفحه ۱۴

کانادا - مونترال

پناهندگان و هواداران نیروهای سیاسی ایرانی

رجائی خراسانی را وادار به فرار کردند

انجمن دانشجویان فالانژ وابسته به خمینی و اهل از رجائی خراسانی ، نماینده رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در سازمان ملل ، برای شرکت در جلسه گرد همائی آن انجمن که در تاریخ ۴/۴/۱۹۸۷ در دانشگاه پلی تکنیک دانشگاه مونترال برگزار میگردد ، دعوت کرد ه بود .

جمعی از پناهندگان سیاسی هواداران نیروهای سیاسی ایرانی تقیم مونترال با اطلاع از این موضوع ، در یک جلسه در تاریخ ۲/۴/۱۹۸۷ ، با انتخاب کمیته ای تصمیم به برگزاری یک تظاهرات آرام در جلوی دانشگاه پلی تکنیک ، محل برگزاری جلسه فالانژها ، گرفتند .

اهداف تظاهرات از این قرار بود :

- ۱- اعتراض به حضور رجائی خراسانی در دانشگاه پلی تکنیک و افشای مقاصد او .
- ۲- افشای رژیم جمهوری اسلامی و شرایط موجود غیر انسانی حاکم بر ایران در مقابل دانشجویان و مقامات دانشگاه و از این طریق مطلع کردن مردم کبک و رسانه های عمومی .

علیرغم نامساعد بودن هوا و وقت کم برای سازماندهی تظاهرات ، ۲۰۰ نفر از پناهندگان و هواداران نیروهای سیاسی برای تظاهرات گسرد آمد ه باشعارهای " مرگ بورژوازی جمهوری اسلامی ، مرگ بر خمینی و ... " خواستار قطع فوری جنگ ، قطع شکنجه و اعدام و آزادی زندانیان سیاسی شده و اعلامیه هایی به همین مضمون پخش کردند .

رجائی جنایتکار و همرا هانش که از حضور نیروهای مبارز و مترقی به وحشت افتاده بودند ، از ماشین پیاده شده ، قصد داشتند با عبور از تپه های اطراف دانشگاه که حدود ۲ کیلومتر با محل سخنرانی فاصله دارد ، بطور مخفیانه از درب غربی وارد دانشگاه شوند . اما تظاهراتکنندگان متوجه شده باشکستن صف انتظامات بطرف رجائی و همرا هانش هجوم آوردند . رجائی جنایتکار و همرا هان فالانژ وی برای دامن ماندن از خشم ایرانیها فاصله باقی مانده تا ساختمان دانشگاه را به حالت فرار طی کرده و خود راهی داخل ساختمان انداختند . دانشجویان و اساتید کانادا هم حاضر در محل ، همبستگی خود را با تظاهراتکنندگان اعلام کرده و بطور جمعی با حضور نماینده خمینی در دانشگاه مخالف نمودند . بدنبال این تظاهرات و اعتراض هیأت ۷ نفری انجمن دانشگاه که با متهم کردن انجمن دانشجویان فالانژ به دروغگوئی و کلاهبرداری ، این انجمن را از حق برگزاری جلسات در محیط دانشگاه محروم گردانید . آنها سخنرانی رجائی را تحت عنوان " گرد همائی دانشجویی " اعلام کرده بودند . خبر این تظاهرات همراه با تکه های از قطعنامه ها و اعلامیه های تظاهراتکنندگان در روزنامه های کثیرالانتشار مونترال منعکس گردید .

صدای کارگر

رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه های خود را از اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶) رسماً آغاز کرده است . صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر بر ب ۴ مگا هرتز پخش می گردد . برنامه هر شب ، ساعت ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد . برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود . ساعت وطول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعات پخش وطول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید !

با پیام کارگر همکاری کنید

و برای آن بنویسید !

در صفحه ۴

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS - CEDEX 12 FRANCE	آدرس پیام کارگر	POSTFACH 650226 1 - BERLIN 65 W - GERMANY
---	-----------------	--